

**نظامی گری و ارتجاع سیاسی**

دکتر بنائی وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه طی محاسباتی که در مطبوعات ۱۴ دیماه منتشر شد، اعلام کرد که "اولویت بودجه سال آینده به جنگ و تقویت بنیه ارتش و تولید منابع داده شده و پس از آن تزیین و رفاه بیشتر منابع تولیدی، کشاورزی و صنعتی توجه شده است" این گفتار یک مقام مسئول امور اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی، بیان خط و مشی عمومی دولت در زمینههای اقتصادی و سیاسی در یک سال آینده است.

اولویتهای که رژیم جمهوری اسلامی در بودجه سال آینده خود به هزینههای جنگی اختصاص داده است، دروجه سیاسی بیان گرایش به میلیتاریسم و نظامیگریت که از سرشت فدا خلقی رژیم سیاستهای تجاوز - کارانه و ماجراجویانه آن ناشی میگردد. اساسا در جوامع سرمایه داری، دولت بعنوان ابزار سلطه طبقاتی بر یک مائتس نظامی مستثنی است تا طبقه حاکم با تکیه آن از یکسوتوده های تحت ستم را در انقباض نگاهدارد، و از سوی دیگر در خدمت سیاست های تجاوزکارانه و ماجراجویانه آن قرار گیرد. هر آنچه که نظام سرمایه داری - گندیده تر و پوسیده تر میگردد، هر آنچه که تضادهای طبقاتی از حدت بیشتری برخوردار میگردند، هر آنچه که بورژوازی در برابر نیروهای بالنده و سیر پیشرونده تاریخ بیک نیروی ارتجاعی تر تبدیل میگردد، رشد این دستگاه انگل که هزینه های آن

بقیه در صفحه ۲

**بیست و سومین سالگرد  
انقلاب کوبا گرامی باد**



۱۱ دیماه (اول ژانویه) سالگرد انقلاب کوبا است. سالگرد انقلابی که در ۲ دسامبر ۱۹۵۶ (۱۲ آذر ۱۳۳۵) با حمله مسلحانه فیدل کاسترو و ۸۰ چریک انقلابی، بوسیله کشتی کوچک موتوری "گرانما"، به یکی از سواحل کوبا آغاز شد و در اول ژانویه - ۱۹۵۹، فرار پانزده ساله دیکتاتور کوبا و ورود نیروهای انقلابی به هاوانا با پیروزی رسید.

سرنگونی رژیم دیکتاتوری و تصرف قدرت توسط انقلابیون در کوبا، برای کوبا نشان به مفهوم آغاز مبارزه ای بس بزرگتر بود، مبارزه علیه توطئه های

بقیه در صفحه ۴

**ارزیابی ذمیت حاکم پر توده ها**

- آبان و آذر ۶۰ -

مشخصه اصلی این مقطع، که ارمیان صدها گزارش و خبر که به دست ما رسیده است - جمع بندی شده عبارتست از شکل گیری حرکات جنبی مبارزاتی، بروز نسبتا علنی اعتراضات و بحثهای سیاسی، خود بخودی بودن اشکال مقاومت و مبارزه - توده ها، گمانالیز شدن ختم و کین توده ها، سوی خمینی، پاسدارن و چاچوان رژیم، عدم حضور فعال پیشرو در مبارزات توده ها.

بقیه در صفحه ۱۱

در این دو ماهه سیر سریع تحولات تا شیر خود را بر ذمیت حاکم پر توده ها نیز بر جای مینهد. انقلاب نه تنها در عمق که در سطح نیز جریان مییابد و سیر رو به رشد مبارزات و اعتراضات توده ها وارد مراحل عالیتری میگردد. شاره های انقلاب از بس خاکستر رعب و وحشت سر میزند. توده ها با ردیگر آرام آرام وارد میدان میشوند، جو رعب و وحشت تضعیف میگردد و نشانهای بی شکستن آن در گوشه و کنار نمود مییابد.

**ابعاد نوینی از جنایات رژیم جمهوری اسلامی**

**سخنی کوتاه با اقلیتهای مذهبی**

تشدید ستم و گناه های بود که سران آن روا میشد، آنان تا حد سودند که با دیگر نه تنها باید تمامی مطالب و دستمهای طبقاتی، - تمامی سرکوشها و ددمنشیهای رژیم جمهوری

بقیه در صفحه ۱۳

اعمال و حشانه رژیم جمهوری اسلامی اینک سربه چنون زده است، این مسائل در رابطه با تمامی اقشار و طبقات خلق نمایان است. اقلیتهای مذهبی نیز از این قائده مستثنی نیستند. اقلیتهای مذهبی از شروع حکومت جلادان جمهوری اسلامی شاهد

**تبلیغ و چگونگی پیش بردن دومراکز تجمع توده ها**

صفحه ۵

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

**در این شماره**

- جنبش جهانی
- جنبش کارگری
- مردم چه میگویند؟ مردم...
- نقد و بررسی یک گزارش
- گزارشهای روسستانی

### نظامی گری و ارتجاع سیاسی

بقیه از صفحه ۱

مستقیماً برگزیده زحمتکشان جامعه قرار - دارد و گرایش به میلیتاریسم در سیاستهای بورژوازی بیشتر می گردد.

واقعی است که این ویژگی بورژوازی در دولت های امپریالیستی به عالی ترین وجه خود نمود می یابد و هم اکنون میلیتاریسم بعنوان جزء لاینفک نظام اقتصادی و سیاسی دول امپریالیستی برآمده است. اما این گرایش در دولت های ارتجاعی حاکم بر کشورهای وابسته و تحت سلطه در سطحی دیگر نمود می یابد.

پیش از بقدرت رژیم جمهوری اسلامی رژیم ارتجاعی شاه در جهت پاسداری از نظام سرمایه داری وابسته و حفظ حراست از منافع امپریالیست ها در منطقه خاور میانه و بقاء موجودیت ننگین سلطه شدت به میلیتاریسم و نظامی گری گرایش یافته بود. رژیم مزدور شاه که علاوه بر سرکوب توده های زحمتکش و تحت ستم ایران نقش ژاندارمی منطقه و سرکوب جنبش های انقلابی ملل تحت ستم منطقه را نیز بر عهده گرفته بود، مدام در جهت تقویت ارگانهای سرکوب بویژه ارتش گام بر میداشت. این ماشین عظیم سرکوب همه ساله بخش عظیمی از درآمد های ملی را می بلعید و فشار را بر هزینه های نظامی که بخشی از آن مستقیماً بحیثیت انحصارات امپریالیستی می رفت و بخش دیگر آن غیر مستقیم در خدمت امپریالیسم و منافع آن قرار داشت. توده های مردم را به مبارزه علیه این سیاستها برانگیخت و یکی از خواسته های سرحق مردم در انقلاب نه تنها گسست کامل با هرگونه میلیتاریسم بلکه اماسا در هم شکستن ماشین ارتش بعنوان ابزار سرکوب بورژوازی و امپریالیسم بود. که بعنوان یک موجود انگل همه ساله بخش عظیمی از درآمد ملی را می بلعید.

سران خیانتکار جمهوری اسلامی و در رأس آنها خمینی که پیش از بقدرت رسیدن خود به مردم وعده میدادند که با برافروختن رژیم شاه با سیاستهای میلیتاریستی او نیز قطع رابطه خواهد شد و دیگر مردم ایران مجبور نخواهند بود، همه ساله بخش عظیمی از درآمد خود و ثروت ملی را به هزینه های گرفتند، بلکه در تقویت سیاستهای ماجراجویانه انگل - اختتام دهند. پس از کسب قدرت پنا به ما هیت ضد خلقی خود،

نه تنها بخاطر طرفه موجودیت خود و نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم، این دستگاه انگل را حفظ نمودند و از نابود شدن سیاستهای سرکوبگرانه و ضد خلقی خود جویند و تنها وزک را نه پان اسلامیتسی خود، هزینه های با زهم بیشتری را به این دستگاه نظامی اختصاص دادند. رژیم - جمهوری اسلامی نه تنها از هزینه های نظامی نکاست بلکه با گسترش این موجود انگل که اینک علاوه بر ارتش، شهر با نس و ژاندارمری و ... سپاه پاسداران و کمیته ها و ... نیز پیمان افزوده شده است بخش دیگری از درآمد ملی را با این موجود انگل اختصاص داد، در تقویت سیاستهای ماجراجویانه خود که بحکم با دولتیست عراق آنها میدهم اکنون در وضعیت قرار گرفته است که خود را مجبور می بیند که آشکارا و بهر اختی اعلام کند، که در بودجه سال آینده و لویت به هزینه های نظامی اختصاص یافته است. البته سران رژیم جمهوری اسلامی می کوشند تا چنین وانمود کنند که گویا اختصاص بخش عظیمی از - درآمدهای ملی به هزینه های نظامی، تنها از مقتضیات شرایط جنگی موجود ناشی میگردد. اما گرچه در این گفتار - واقعیتی نیز نهفته است، اما این جنگ از یکسوی آن سیاستهای ماجراجویانه و تجا وزکا را نه پان اسلامیتسی رژیم جمهوری اسلامی است و از سوی دیگر - ما هیت ضد خلقی رژیم و گرایش آن بسوی نظامی گری اختصاص این هزینه ها را با مور نظامی اجتناب ناپذیر می یازد. حتی اگر جنگ کنونی نیز پان یافته بود، با زهم ما تا حد اختصاص بودجه های کلانی به امور نظامی می بودیم، زیرا که این امر از ما هیت سیاستهای داخلی و خارجی رژیم، سرکوب توده های مردم در داخل و کمک به ارتجاع منطقه، سیاستهای ماجراجویانه پان اسلامیتسم و از غفلت انگلی دولت ناشی میگردد.

رژیم جمهوری اسلامی در عمل دامنه دهنده همان سیاستهای رژیم شاه است، و تردیدی نیست که اختصاص بخش عظیمی از بودجه مملکتی به امور نظامی بمعنای سرازیر کردن بخشی دیگر از ثروت های ملی بحیثیت انحصارات نظامی - امپریالیستی محسوب میگردد. مشی عمومی دولت در زمینه های اقتصادی و سیاسی که در بودجه سال آینده انعکاس یافته است، نتیجه ای جز تشدید فقر و فلاکت عمومی در بر نخواهد داشت. برادر حالی که جامعه با یک بحران اقتصادی

مزمین و ژرف روبرو شده در حالیکه بیگاری فقر و گرانگی کمبود ما محتاج مردم امپریالیست و حشمتاکی بخود گرفته است، در حالیکه صنایع در رکود مطلق بسر می برند، و بحران صنعتی مدا م به حیطه های دیگر زندگی اقتصادی گسترش می یابد و بحران در - کشا و رزی گسترش می یابد، اختصاص بودجه های کلان به هزینه های نظامی و اختصاص هزینه های ناچیز به تولیدات صنعتی و کشا و رزی نتیجه ای جز تلاش سراسر نظام اقتصادی و نا بودی هر چه بیشتر نیروهای مولد در بر نخواهد داشت. رشد میلیتاریسم و گرایش به نظامی گری که بنحوی با زرد بودجه دولت انعکاس یافته است، بپیوند میان گرایش به قهر و سرکوب و ارتجاع سیاسی را که در سلب هر گونه دمکراسی استعکاس می یابد و در نهایت هزینه های نظامی و تقویت دستگاه های سرکوب مادی دولت نشان میدهد. رژیم جمهوری اسلامی که حکومت خود را بر پایه قهر و سرکوب، سلب استبدادشترین حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی توده های مردم قرار داده است، رژیم بی چفایت - ارتجاعی است که بپیوند میان این سیاستهای خود را با تقویت دستگاه های سرکوب و گرایش به نظامی گری را در بودجه سال آینده منعکس ساخته است. ارتجاع سیاسی و گرایش به میلیتاریسم، دوجز لاینفک سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی محسوب میگردد.

از این رو اختصاص بودجه های کلان به امور نظامی بیکار دیگران واقعیت را با ثبات میرساند که تنها راه نجات توده های مردم از ارتجاع حاکم و فلاکت اقتصادی نه تنها سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بلکه درهم شکستن تمامی ماشین دولتی بورژوازی و رکن اساسی آن ارتش و تمام ارگانها و نهادهای مادی سرکوب آنها بر این اساس است که توده های مردم از ترس هزینه های نظامی نجات می یابند اما تنها یک طبقه و آنهم طبقه کارگر است که قادر است ماشین حاکم و اس و اساس آن یعنی ارتش و بیوروکراسی را که همه ساله بخش عظیمی از ثروت ملی و درآمد ملی را می بلعند درهم شکند، و جامعه را از شر این موجودات انگل که حیات آنها بسا حیات طبقات استعما رگر پیوند دارد، نجات بخشد.



### نیست و سومین سالگرد

بقیه از صفحه ۴

افراد خانواده به کار در مزرعه سپردند و شبها به تما می آنها خواندن و نوشتن را بسا موزد، از آنجا شیکه تمدا دیسماری از سالندان دارای چشمانی غیر عیسیف بودند، این افراد بسوسله پزشکی که سه بهمن منظور بسبج شده بودند متعابنه شده و در نتیجه بسی از مد هزار عینک در اختیار آنان قرار گرفت. همزمان با آغاز اجرای طرح عظیم و سراسری، امپریالیسم امریکا دست به یک تهاجم نظامی از طریق "خلیج خوکها" علیه کوبا زد. این حمله توسط نیروهای مسلح انقلابی و آمادگی تمام خلقی ظرف ۲۲ ساعت دفع شد و بسی از هزار کوبانی شمعی مزدور امریکا

دستگیر شدند. بلافاصله اجرای طرح مجدداً آغاز شد و بسی از گذشت نه ماه تمام خلق کوبا فریاد برآورد که "ما پیروز شدیم چرا که دیگر بسوادای در این کشور نبود. طی حدود دو سال بس از انقلاب، یک میلیون روستایی بسواد خواندن و نوشتن آموختند. ونیز صدها هزار دانش آموزان دانشجویان کنونی کوبا را تشکیل میدهند. فرصت یافتند تا دیوار سیاه موجود میان شهر و روستا را در هم کوبیدند، فقر و ستم و ایدر تهیدستان را بسن کنند و بسیدستان آ ماده بدبیشترش و فیم ما ر کسیم - لنینیسم کردند. و اکنون تمامی خلق کوبا اذعان دارند که اگر چه بسیت سال قبل همگی شان کمونیست را نیا موخته بودند، اما این مهم سرپا به قدرت و کوشش خستگی ناپذیر ما ر کسیمتها

شی انجام گرفت که در وزارت آموزش و پرورش، برنا مریزی و پیشبرد امور را بر عهده داشتند.

در سال ۱۹۶۸، بمعبار حد اقل سواد از توانائی خواندن و نوشتن به اذمدرک - شم ابتدائی ارتقا یافت. در سال ۱۹۷۶ از نه میلیون نفر جمعیت کوبا، ۶۰۰ هزار کارگر، دهقان و ما هیکیز در حال اخسند مدرک سیکل اول و دیپلم متوسطه بودند و بسی بیش از ۲۸٪ از دانشویان را فرزندندان کارگران تشکیل میدادند.

در شما ره آینده دربار ره برتا مه بهداشت سوسالیستی در کوبای انقلابی، هم چنین چگونگی ایجاد ارتش خلقی برای حفظ دستا وردهای انقلاب و مقابله با توطئه های امپریالیسم امریکا سخن خواهیم گفت.

# استقلال - کسار - مسکن - آزادی

### مبارزات کارکنان گاز منطقه حدفاصل اهواز - آغا جاری

در تاریخ ۶۰/۸/۳۰ رئیس منطقه گاز خوزستان بناها شمی که سابقه سابقا واکسی بودن او سال گذشته توسط یکی از گروه های سیاسی افشاء شده بود برای بازدید به کارخانه آمده بود چون بدلیل شرایط جنگی حاکم بر اهواز و پراکنده بودن منازل مسکونی کارگران سرویس رفت و آمد کارگران و کارمندان چند دقیقه بعد از وقت اداری به کارخانه میرسد لذا دستور داد تا برای رسیدگی به این مسئله رئیس روابط کارکنان که معاون منطقه نیز می باشد در رئیس عملیات که این دونفر فوق الذکر بدون داشتن صلاحیت سابقه کارگانی بدلیل اینکه از اعضای انجمن اسلامی هستند، اخیرا این سمت را اشغال کرده اند و همچنین رئیس اداره عمل و نقل و رئیس کل اداره تعمیرات و رئیس خدمات فنی روز بعد یعنی در ۶۰/۹/۱ به کارخانه آمده و این مسئله را رسیدگی نمی نمایند. در تاریخ ۶۰/۹/۱ کلیه افرادی که میرده یا لایه کارخانه آمده و کارگران و کارمندان نیز خود را آماده پاسخگویی به آنها نمودند. در این جلسه مسائل مختلفی مطرح گردید، ابتدا مسئله رفت و آمد کارکنان مطرح شد که رئیس منطقه میگفت کارگران و کارمندان اگر نمی توانستند بموقع به کارخانه بروند یا در هر روز صبح ساعت پنج خود را به محل اداره مرکزی شرکت واقع در فلکه چهار شیر برسانند، یکی از کارگران در جواب گفت: همیشه ما شین ما را از جلوی خانه ها بمان سوار میکنند و اکنون بدلیل اینکه کارکنان پراکنده هستند و جنگ است یکی از شرق اهواز دیگری از جنوب اهواز سوار میشوند و سرویس های جمع آوری کارگران را هم شما قطع کرده اید. در نتیجه اگر ۲ ساعت هم قبل از وقت سوار بشویم یا زسروقت نمی رسیم و حالاهم که شما میگویید ما شین نباید در خانه کسی برود یا بدیدانی که این امکانات را ما طوسی سالها میبازریم بدست آورده ایم و حالاهم که شما نمی دهید شما براحتی از ما بگریزید بلکه باید سرویس ها را اضافه نما شد تا ما بتوانیم بموقع سرکار برسیم. بعد از بحث وجدل های فراوان سرانجام کارکنان و کارمندان موفق شدند که همان طور طبق برنامه سابق خود سرکار برسانند و رئیس منطقه هم مجبور شد دو دستگاه دیگر یعنی بوس به سرویس کارکنان اضافه نماید. مسئله دیگری مطرح شد مسئله مسکن کارکنان بود. و ایل جنگ کارگران و کارمندان ساکن اهواز توانسته بودند بدلیل شرایط جنگی در اهواز شرکت را مجبور نما بیند که به هر کارگری کارمند یک اطاق از مهمان سرا میبندند. و اگر در نما بیند تا کسیکه خانوادها ایشان در مسن اطاق است که بیشتر مورد حمله قرار میگیرند خانوادها را خود را به میان نگو (آغا جاری) بپروند ولی بعد از چند ماه رئیس منطقه فوق الذکر که تازه به این منطقه آمده بود حدود ۵ ماه پیش بخشنا می ای ما در نمودن اطاق به همه کارکنانیکه در میان نگو اطاق گرفته اند و حالا رکورد که چنانچه اطاقهای میان نگو را تخلیه نکنند و خانوادها ایشان را به اهواز برسانند از هر کجا روزانه ۱۶۰ تومان از حقوقشان



### جشن گاوگرمی

برمیدارند و کارگران هم بدلیل اینکه خانواده ها ایشان در اهواز ساکنند ندا شدند و در آنجا "اهواز مورد حمله شوخیانه قرار میگیرد و ضربه انجام یکنواختی شونده و از طرفی بهیچ وجه قادر به پرداخت روزانه ۱۶۰ تومان نیز نبودند کشمکش و تهدیدهای رئیس منطقه ادامه داشت تا بالاخره رئیس منطقه در این ماه حساب داری را تحت فشار قرار داد و از بیم کارگران مقداری از حقوقشان را برداشت نمود. کارگران که از این کار رنجیدند خشمگین و عصبانی بودند رئیس منطقه را مورد حمله شدید قرار داد و حتی نزدیک بود او را کتک بزنند یکی از کارگران با او میگفت: بی انصاف من همه اش حقوقم روزی ۱۳۰ تومان است و آنوقت تو گفتی که روزی ۱۶۰ تومان از آن کم کنند پس من به چه ها می چه دم بخورند. دیگری میگفت ما همه میدانیم که شما و اکی هستی و سابقه تو را در کار می دانیم و حالا لایمی شده ای و همان روش ضد کارگری را دنبال میکنی. بالاخره یک روز نوبت ما هم میرسد آنوقت میدانی ما مثال توجه باید کنیم. دیگری میگفت: تو همان دزد معروف هستی که حمل و نقل را چا پیدی خیال میکنی ترا نمی شناسیم که حالا از ست اسلامی برای ما میگیری، رئیس منطقه که یک عنصر ضد کارگران است میگفت: همین است، هر کس نمیخواهد بفرما بد دنبال کارش، در جواب یکی از کارگران که خیلی عصبانی بود در حالیکه با وحمله میگرد گفت پدر سوخته دزد مگر شرکت ما مال توست، شرکت ما مال ماست و آنرا با پوست و استخوان خودمان درست کرده ایم و حفظ هم میکنیم و اجازه نمی دهیم که شما و اکی دزد ما حب همه چیز بشوید بگوشتی هر کس نمیخواهد بفرما بد دنبال کارش، ما بالاخره ترا اگر هزار انجمن اسلامی پشت سرت با شدمی فرستیم دنبال کارت، این گفتگوهای خفونت بار تا ساعت ۱۲ ادامه داشت و بدون تدبیر آمدن نتیجه منضمی رئیس منطقه، کارخانه را ترک نمود لیکن کارگران و کارمندان دنبال مسئله را رها نکردند و همچنان با نامه و تلفن خواستار رسیدن دادن حقوقشان بودند تا اینکه در روز بعد رئیس منطقه بخشنا می ای ما در نمودن برای اینکه برای رسیدگی مسئله مسکن شورا می تشکیل شود و از هر دو راه یک نفر نماینده بفرستد و مدیریت هم نمایندگان نمایندگان نشی را بفرستد تا رسیدگی شود. حالا کارگران جدا به دنبال تشکیل این شورا هستند. (توضیح: تعداد کارکنان این شرکت ۷۰ نفر می باشد)

بندر خمینی اجناس و فشار بر کارگران همچنان سرمدی را طی میکند. بار شما را از جز کارهای سیاسی شنیده - بیشترین فشار را از سوی... سابق تحمل میکنند طبق... و با زخمی سازمان... فقط شما را یک... بگیرد. اخیرا "مدیریت" فشار آورده است که هر بار شما را با یک... را شما را... اینک... و پرداخت حقوق بیشتر انجام گرفته است از آنجا شکیه میزان کالای وارداتی بطرف و خشتناکی رونق افزایش مییابد. حتی شما را دقیق یک... فرد خارج است چه... این... است... نیز در وضع... به... می دهند... - فرمای... است... که ما داریم... ۴۵ تومان... گوشت کیلویی... کارگر دیگری... اینجا آمده... که در روز... تومان به... ۵۰ تومان در عرض... - ام... بفرستم. - تعداد زیادی از... های سر... جبهه... کمبود... معشوری... کارکنان... سریندر... هفته ای... به نگهبانی... اعتراض... اکثریت... نیستیم... در محل کار... آذرماه: کارگران و کارکنان نیروگاه - های برق واقع در... شوتر در... در روز... کرده اند... کارگران و کارکنان... تعطیل شدن... از ساعات کار آنها کسر شود. گزارشی از حرکت اعتراضی کارگران - تعمیرگاه شرکت... (واسته به... حدود یک... شرکت که... به نحوه... اعتراض... اضافه کاری... شتای (یعنی... کشتی تخلیه... یک روز مهلت... بقیه در صفحه ۶

## پیشی بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

# بیست و سومین سالگرد انقلاب کوبا گرامی باد

امپریالیسم آمریکا که نمی توانست وجود دولتی انقلابی که راه سوسیالیسم را برگزیده بود تحمل کرده و تا هدر شدن نفقه ای پوپا از یک جنبش رهائی بخش در آمریکا لاین باسد، مبارزه علیه تمامی میراث فلاکت بار مالیات های سیاه حکومت دیکتاتوری و تسلط سرمایه های انحصاری بر اقتصاد کشور با مبارزه ای همه جانبه در زمینه انقلاب فرهنگی و اجتماعی در جامعه، مبارزه علیه فئودالیسم و مبارزه جهت برقراری سوسیالیسم، با لافزه کوشش مجدانه برای ایجاد ارتش خلقی که بتواند انحفاظ دیتا وردهای انقلاب بوده و سدی در مقابل هرگونه توطئه ای باشد، بود.

به معنا سیت بیست و سومین سالگرد انقلاب کوبا، ما به شمه ای از این تلاش خلق کوبا و مبارزه سرنوشت ساز این خلق مبارز و انقلابی اشاره کرده و گوشه ای از دستاوردهای آنرا مورد بررسی قرار میدیم:

## تثکوفاتی اقتصاد دوسوسیالیستی

دردوران قبل از انقلاب، کوبا دارای اقتصادی تک محصولی یعنی تولیدشکر بود. خریدار عمده این محصول هم کمپانیهای آمریکایی بودند. در پی پیروزی انقلاب انحصارات آمریکایی بمنظور وارد آوردن ضربه به انقلاب و از یاد آوردن آن، از خرید سهمیه ما لانه شکر خویش امتناع ورزیدند، در این موقعیت اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، با تقبل خرید تمامی محصول شکر کوبا، بیساری این کشور را نجات دادند.

سیاست اقتصادی دولت انقلابی کوبا کاهش تدریجی بخش خصوصی که تا آن هنگام بطور عمده اقتصاد کشور را به زیر سلطه خویش داشت و همگام با آن افزایش قدرت دولت نماینده کارگران و زحمتکشان، در زمینه زمینه های اقتصادی بود. دولت انقلابی کوبا بلافاصله پس از پیروزی انقلاب تمامی املاک آمریکاییان را ملی اعلام کرد، این امر در مورد کارخانه های مونتاز و وایتینگ به انحصارات امپریالیستی نیز انجام گرفت. در ابتدا تولیدات کتای وری و صنعتی معمولات مورد نیاز کشور از پیش قابل ملاحظه ای یافتند و نتیجه این شد که واردات کاهش یافت و احتیاج به واردات خارجی کمتر شد. در مرحله بعد حرکت بسوی ایجاد صنایع مادر یک کشورها ی سوسیالیستی صورت گرفت.

در زمینه گشت کارهای کتای وری، به توجیه اینکه تا پیش از انقلاب زمین های قابل کشت بدون استفاده مانده بودند تولید محصولات نظیر حبوبات، برنج، ذرت، تنباکو سیت زمینی و هم چنین برورش دام برای تأمین گوشت (که تا آن هنگام زخارچوارده میشد) به سرعت افزایش یافت. بطوریکه این افزایش از ۲۳٪ تا ۱۴۶٪ را شامل میشد، در مورد صنایع نیز به توجیه برداشتن موزون صنایع در بخشهای مختلف و تأسیس تولیدات از انقلاب که بازه تولیدات را پائین می آورد، تنها به کارگیری صحیح و اصولی واحدهای تولیدی موجود با عت شد. تا تولیدات صنعتی طی

بقیه از صفحه ۱  
یکسال اول انقلاب ۱۵٪ افزایش باسد. افزایش سریع و فوق العاده تولیدات کتای وری و صنعتی طی دو سال اول انقلاب این توجیه کار را ایجاد کرد که با افزایش مداوم حجم کار، میتوان بازدهی کار را نیز متداوم افزایش داد. اما در پی گذشت دو سال رشد اقتصادی در شاخص زمینها با عدم کفایت امکانات روبرو شد. بدین معنی که افزایش بازدهی با توجه به منابع موجود، بیش از این میسر نبود. از سوی دیگر کوبا که تصمیم داشت تمامی نیازهای داخلی را خود تولید کند، بطور وسیعی اقدام به وارد کردن انواع ماشین آلات ابزار صنعتی و قطعات یدکی و... جهت تأسیس کارخانه های جدید نمود. با توجه به بهای سنگین کارخانه های وارداتی و میزان تولیدات اولیه که بطور طبیعی پائین تر از میزان حداکثر بود، بهای هر قلمی لای تولید شده بیشتر از بهای بود که کوبا میبایستی با زاء وارد کردن آن کالای بردارد، علاوه بر این به دلیل اینکه بخشی از مینهای کما یقا "زیبر" کشت نیشکر بود به کشت محصولات دیگر - کتای وری اختصاص یافته بود محصول شکر همگامش یافت. در نتیجه بیلان تجارت - خارجی ۱۶٪ کاهش در واردات ۱۹۹٪ - افزایش در واردات را نشان میدهد.

رهبران کوبا در مواجهه با بحران اقتصادی سال ۱۹۶۲ با رأی بازگشت به اقتصاد تک محصولی را با استراتژی جدیدی پذیرفتند بدین معنی که طبق طرح جدید تمامی سرمایه کاری و نیروی خود را معطوف به تولید شکر کردند. زمین حال گسترش را به صورتی که در این دوازدهمین امکانات فراوانتسی در کشور وجود داشت کردند تا مقدمتا "شکر کتای وری" موازنه برداشتهای کشور را تحقق آید و آنگاه تدریجا "در زمینه اقتصاد شتوغ در تولید کتای وری و تکمیل زیربنای صنعتی کام بردارند.

تنها مسئله کوبا در این مرحله، حصول اطمینان از وجود خریدار دائمی شکرای شکر بود که در این مورد هم شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به نشانه حمایت سیاسی و نیز با توجه بهای مناسب شکر کوبا، پیشقدم شدند.

پیشتر داده ای که ذکر شد، همچنین در مورد زیربنای های کوبا قرار داشت و در راه رسیدن به تکمیل یک اقتصاد سوسیالیستی و شکوفایی مسائل و نظرات تازه ای برای دولت و توده ها عنوان شد که نگاه گذرا بر این مسائل ضروری است. توده های محروم کوبا که تا پیش از انقلاب برای بدست آوردن حداقل با احتیاج خود مجبور به کار طاقت فرسا بودند پس از انقلاب ناگهان با وضعیتی روبرو شدند که در آن بخش عمده ای از احتیاجات ابتدائی خود یعنی آموزش و بهداشت - مجانی و حداقل خوراک و پوشاک با توجه به وجود فرتوشگاههای تعاونی خلقی و... را بدون نیاز به کار سنگین و طاقت فرسا در اختیار داشتند. در چنین شرایطی دولت انقلابی وظیفه داشت تا عشق به انقلاب و زندگی نوین را به میان توده ها برده تا

آنان با انگیزه ای والا تر به سازندگی بپردازند.

در این زمان بود که دو جریان فکری در مقابل هم قرار گرفتند. نخستین جریان که در رای آن رفیق چه گوارا "قرار داشت معتقد به سازماندهی اقتصادی و بالابردن بازدهی کار برپا به ارتقاء شورویا گامی اجتماعی زحمتکشان بود. دومین جریان که یکی از رهبران حزب کمونیست پیش از انقلاب حامی آن بود معتقد به افزایش بازدهی کار از طریق ایجاد انگیزه های سیستم سرمایه داری یعنی اعمال پاداش - های نقدی، اضافه حقوق و... بود.

مبارزه میان این دو جریان فکری حتی تا مدتها پس از خروج چه گوارا از کوبا به قصد بلویوی، ادامه یافت و سرانجام در سال ۱۹۶۶ روشی که در کوبا به کار گرفته شده مدتها پیروی از نظر چه گوارا یعنی عدم تکیه به بازایا دلات کالائی و پولی به مثابه زاء مقابله با مشکلات موجود - اقتصاد، بلکی کردن مؤسسات خصوصی اقتصاد، در بخشهای کتای وری و صنعتی و خدمات، یعنی استقلال اقتصادی، مؤسسات جداگانه دولتی و شکر کوبا به تدریجی و بود و به تدریجی شکار گرفته شد. هر چند سیستم سازماندهی، بر بنا به زیربنای اقتصادی جدید نیز غیرتک مشرک و تک محصولی نبود. کوبا با اشکالاتی روبرو میگردد که عمدتاً ناشی از بی تجربگی در برنا مریزی، های صحیح و هماهنگ کردن امکانات کشت برداشت، پلند پروازهای انفرادی بهنگام برنا مریزی و عدم اطمینان از کار رانشی هر طرح پیش از اجرا و آوردن آن در سطح وسیع بود ولی یک نکته کاملاً روشن شد - آن اینکه کار رانشی که در نظام سرمایه داری و روشهای بالابردنده، بازدهی تولید که در این نظام بکار گرفته میشود عمرشان برآمده است و برای ساختن جا مه ای - نوین با اندازه های نوین برای مقابله با مشکلات یافت.

## برنا مریزی با بسواد و انقلاب فرهنگی

مقدماتی بیگانه بزرگ مردم کوبا علیه بسواد ی در ۱۹۶۰ آغاز شد. از ۵/۵ میلیون نفر جمعیت کوبا در آن زمان، یک میلیون نفر فاقد سواد بودند و نوشتن نبودند. و این در حالی بود که در سراسر کشورهای پیش از ۲۶ - هزار سال هم وجود داشت و بسوادان اکثر است. روستا های دور افتاده، کوهستانهای سکونت داشتند. وقتی سیخ عمومی برای سواد موزی آغاز گشت از کودک ۸ ساله تا بجزن ۱۰۶ ساله دا و طلب دادن آموزش به موهفان بسواد خود شدند. زنده ترین متخمین تعلیم و تربیت گرد آمدند تا کتابی را برای خردیس در سراسر کشور تهیه کنند. از این کتابها ۱/۵ میلیون نسخه چاپ رسید، صدها هزار دانش آموز و دانشجو دا و طلب سواد آردوی ده روزه - رفتند تا هم نحوه استقاده از کتاب درسی مزبور را بیاموزند و هم خود را برای زندگی در شرایط سخت روستا های فقیر کشور آماده سازند. در نخستین روزهای بهار ۱۹۶۱، هر دانش آموز، دا و نشوای شمار "ما بیروز" مشوبم "تربیت" یک چراغ توری در دست داشت و بتوتی بردوش به سوی خانه ای در دل کوه های صعب العبور میرفت تا به مدت یکسال در میان یک خانواده روستائی زندگی کند. اومی با سرت روزها را با -



# تبلیغ و چگونگی پیشبرد آن در مراکز تجمع نوده ها

بقیه از صفحه ۱

مدهاست صف بعنوان عاملی ثابت جدا نشدنی در زندگی نوده های زحمتکش ما وارد شده است. هر زن و مرد، کارگر، خانه دار، دانش آموز، کارمند، کاسبکار و هر زحمتکشی ساعتی یا بیساعتی از وقت خود را در طول هفته در صف میگذراند. در شرایط کنونی بخصوصی از صفهای تهیه ارزاق و محتاج اولیه میتوان بعنوان یکی از عمده ترین مجامع نوده های ملی - ترین کانونهای بحث و اعتراض نام برد. تنها مدت کوتاهی، آنگاه که پراشش پرورش و حشیا نه رژیم ترس و وحشت برتنامی نوده ها حاکم گشته بود، موج اعتراض و افشاکاری در صفها نیز فروگش نمود اما به سرعت برای بار دیگر آغاز شد. این اعتراضات که در ابتدا کما ملاً شکل اقتصادی داشت و بر محور گران و کمبود دور میگردید اینک از سوئی سرپا "رنگ و بوی سیاسی" خود گرفته و در بسیاری موارد به طرح مشخص ارتباط دولت با محتکران، سرمایه داران و تجار و کلاً افشای دولت بعنوان عامل اصلی گران، فقر و بدبختی می انجامد و از سوی دیگر در موارد متعددی به اشکال مقاومت و مبارزه نوده های از جمله تحصن، تعرض به پاداران و بسیجی ها، ممانعت اجناس و... انجامیده است. (بررسی این اشکال مبارزاتی و همچنین بحث های نوده ها در این رابطه را به دیگر مقالات از جمله "مردم چه میگویند"، و بررسی اشکال مبارزاتی نوده ها و "ارزیابی ذهنیات مردم" و امیکنداریم)

در این رابطه یادگفت - همانگونه که بارها گفته ایم - صفها اینک یکی از مراکز نوده های است که با پیدرمارتبلیغ به آن توجه ویژه ای نمود. صفها اینک محلی است که میتوان مبارزات نوده ها را در آن شکل داد، دست و پویا زمان داد و میتوان آگاهی پراکنده خلق را انجام بخشید و آنرا بسوی مبارزه ای سازمان یافته با

رژیم کشانید. توجه به مرتب تبلیغ در رابطه با صفها فادرات مبارزات پراکنده ای را که به علت نبود تبلیغات انقلابی در شرایط کنونی عمدتاً به هرز میرود و پادارند اعمالی خود به پراشگری و با اعمال جرقه - مانند بدبختی و ندامت می انجامد را به ندری شکل گرفته در جهت سرنگونی رژیم پادار سازد. برای پیشبرد مرتب تبلیغ در صفها نکات زیر را با دیده دقت مدنظر داشت:

الف: محور تبلیغ: هر چند در هر - شرایط مشخص محور تبلیغی ما را ارگان سازمان - نشر به کار - روشن می سازد اما با پیدر رابطه با صفها و ویژگیهای زیر را در شرایط کنونی رعایت کنند.

۱- با پدید بحث های موجود را بیش از پیش سیاسی نموده بر روی رژیم متمرکز شود. اینک کمترین هدف است که به راه انداختن بحث نیازی به هدایت و با صرف انرژی داشته باشد. اما سمت دهی بحث از اهمیت ویژه ای برخوردار است. با پیدایش دولت را در بدبختی های نوده ها به شکل مشخص عریان نمود. در شرایط کنونی حتی افشاکاری های بی هدف و بی برنامگی چندان سودی ندارد و تنها نقش یک خبردهی کم اهمیت را ایفا میکند. با پیدارتبلیغ مشخص رژیم را با گران و کمبود و غیره و در عین حال ارتباط مشخص سرکوبها و کشتارها و اعدای رژیم با دیگر سیاستهای ضد خلقی اثر از جمله برنامهای اقتصادی را عریان نمود و در این رابطه لزوم سرنگونی دولت را نتیجه گرفت. با پید کینه و نفرت مردم نسبت به رژیم را تعمیق بخشیده بر آگاهی و نه احساس استوار نمود. این عمل را میتوان با یکا رگیری - مثالهای متعدد و مشخص انجام داد. نقش پاداران و کمیته ها در تقسیم نا عادلانه اجناس، نقش حاجی های بازار که بسوی مورد حمایت رژیمند و از سوی دیگر بزرگترین عاملین احتکار و کمبود، یکا رگیری

مثالهای مشخصی چون ساله سیکار که در انحصار دولت است اما تماماً از طریق دلالت و محتکرین توزیع میشود... ۲- با پید نوده ها ربه لزوم شرکت وسیع در مبارزه واقف نمود: هر چند نوده ها امید خود را از پاداریده اند، و هر چند همواره برای تغییر رژیم دعا میکنند اما هنوز نقش خود و نیرویشان را در این تغییر نمی بینند. با پید نوده ها ربه لزوم مبارزه یکپرو متحد واقف ساخت. با پید به آنان گفت "بدون نوده ها نمی بسب - هایی اشرف" این عمل را میتوان از سوی با پاداری تجارب قیام و سرنگونی شاه و تکرار مکرر قدرت نوده ها در آن زمان و از سوی دیگر با طرح مسائلی چون "به سال است از دست صف مینالیم و نی چون حرکتی نگردیم هر روز صفها طویل تر شده... انجام داد. در این مورد با پید گام نیز نوده ها را همراهی نمود و مبارزات آنان را ارتقاء داد. طرح و پیشبرد اشکالی از مبارزه در رابطه مشخص با هدف و مرحله نوده ها را قا در می سازد تا در تجارب عملی و مشخص به قدرت لگزال خود پی ببرند. از این مورد با پید مبارزات خود نوده ها آموخت و آنان را ارتقاء داد. در گزارش - اتی که در ماه آذرودی بدست ما رسیده نوده ها به شکل روز افزونی در رابطه با توزیع مواد اولیه و اجناس مورد احتیاج - شان اشکال مبارزاتی چون مقابله با پاداران، ممانعت از توزیع و حتی تحصن در مقابل مرکز توزیع را یکا رستانند.

۳- با پید مبارزات نوده ها را سازمان داد، محور دیگر تبلیغ ما را مسئله - سازماندهی مبارزات تشکیل میدهد. جهت پیشبرد این امر از سوئی با پید لزوم تشکیل وحدت، پیشبرد مبارزه ای سازمان یافته و... را وسیعاً تبلیغ کرد. "یکدست مداندازد"، "چوبها تا به هم بقیه در صفحه ۶

## تا کسیرانان زحمتکش!

در حالیکه بیکاری و گرانی دامنگیر اکثریت مردم است رژیم رژیم خلقی می خواهد با پید توانشی به بیکاری دام نر زده و پید بهانه نداشتن کارت شهری و... مانع کار شما شود. رژیم می خواهد در تا کمیته های اختناق برپا کند و رانندگان را به همگاری و آوارده با اعتزاض و همه جانبه و یکپارچه خود قوطنه شوهر رژیم را خنثی و از حقوق خویش به دفاع برخیزید.

مستقیم با پید مبارزات در تا کسیرانان زحمتکش و فدائی خلق ایران مرکز بر حزب جمهوری اسلامی. زنده باد شوراهای انقلابی پیش سوی تشکیل مجلس مؤسسان

مبارزان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
کمیته تبلیغ

## کارگران زحمتکش!

بوی رفیع خد اقل نیازهای زندگی شرکتتهای شما و نی با پید زیر نظر و تحت کنترل خود کارگران توسط شورای واقفیتی و منتخب کارگران باشد.

۶۰۹۱۸  
تاریخ: ۱۱

رانندگان مبارز!  
داشتن کار و آزادی حق مسلم و اولیه شماست. با هرگونه قانون فرمایشی به مخالفت برخیزید یا اتحاد و یکپارچگی شورای واقفیتی خود را بر آورد آورده و علیه سیاستهای ضد خلقی رژیم خونخوارها کمربیا خیزید.

مبارزان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کمیته تبلیغ

### تبلیغ و چگونگی

بقیه از صفحه ۵

بسته بودند شکستند. مثلا لاهی از شورا های انقلابی کارخانجات و پیشبرد امور توسط آنان، حرکات متحدبهرنجان شمال، مثلا لاهی از حرکاتی که در همان محله صورت گرفته، قیام، مبارزات خلق کرد و... همه و همه مثلا لاهی است که میتوان بر ارضی بکار گرفت و لزوم شکل و سازمانی مبارزه را گوشزد کرد. اما از سوی دیگر با بدرتجربه، عملی ماله سازماندهی مبارزه را پیشبرد و این میسر نیست مگر با رهنمودهای مشخص جهت پیشبرد هر مبارزه مشخص، این ماله را بیشتر توضیح میدهم:

هوا ره با بدرتجربه این وجه از امر تبلیغ در صفت دو وجه از سازماندهی را هدف خود قرار دهم. اول سازماندهی مبارزات آتی و مشخص مردم، دوم سازماندهی آتی که با بدتجربه ای آنرا در همین مبارزات مشخص بست. در ارتباط با سازماندهی مبارزات مشخص مردم باید همیشه با تحلیل از محله و موقعیت مشخص آن اشکالی از مبارزه را که قدری سازمان ندان و پیشبرد آن تا به آخر هستم و توان توده ها نیز چنین محالی را میدهند انتخاب نموده در جهت آن بکوشیم. مثلا لاهی متعددی را میتوان در این مورد زد. در شرایطی میتوان در مقابل با سازی که به بهانه حفظ نظم جاسوسی میکند، با رتی بازی میکند، - رتبه میخورد و... به مقابل به رتبه است و با حرکت مردم نما پنده ای از خودشان را در وظیفه، حفظ نظم و نظارت بر توزیع گمارد. در نمونه ای از مبارزات خود مردم زنهای خانه دار، با امتناع از گرفتن گوشت، و جلوگیری از فروش آن، مسجد و با سدار مربوطه را عقب نشان دادند. میتوان توده را در محیط مبارزه، انبساطی را احتکاری و مراکز دولتی توزیع که با توزیع نامادانه موجب تنفر مردم مندیج نمود. ... تمام این اشکال مبارزه با بدرتجربه آشنا کردن هر چه بیشتر توده ها به خودشان و روشن ساختن لزوم شرکت در مبارزه فعال

و لزوم شکل باشد، در اینجا است که زمینه های مسا عدجهت شکل گیری - سازماندهی محلی توده ها مهیا میشود. در ارتباط با سازماندهی آتی توده ها نیز با پیدا شکل گوناگون شکل توده های را در ارتباط ماله مشخص موجود (مثلا) برای صرف نفی با بدتجربه سازماندهی جهت توزیع توده ای نفت بدست خود مردم شکل داد. برای خواب و مرغ و گوشت و ... میتوان سازماندهی نظارت بر توزیع و در عین حال شکل دهی توده های توده ای را در دستور قرار داد (در شرایط گتونی مسئله انتخاب نما پنده به سازماندهی جهت پیشبرد اعتراضات مردم پرورسی و اردو بهما دگی با می افتد. (زمینه) که ماله سازماندهی این امر در گزارشات ما دیده میشود.) از اینرو میتوان این شکل از عمل را بعنوان نقطه سازماندهی توده ای به کار گرفته به پیش برد. نما پند - گان با بدرتجربه مسا عدجهت با مردم گزارش پیشبرد کارها را به آنها بدهند و مردم با بدرتجربه این خود پستیانی نمایند. مهمترین مکان برای تجمع توده ها در این رابطه نیز همان صفها هستند. پیشبرد این امر با بدرتجربه تنگ تنگ تنگ تری نیز زمین مردم جدا ایجاد میکند.

ب: تبلیغات خود را چگونه به پیش بریم؟ در ارتباط با پیشبرد تبلیغ در صفها هر چند اصول کلی آن کاملاً روشن است و ما این اصول را چه در مقالات کلی چون تبلیغ و نقش آن و چه در مقالات رهنمودی خود چون در محله چه با بدرتجربه، توضیح داده ایم اما چند نکته نیز با بدرتجربه گرفته شود.

برای تبلیغ شفاهی در صفها با جدی به راحتی میتوان یک نفره عمل کرد اما هیچ ارتباطی با هم ندارند (که با نظر مردم در صف با لاتی درست خواهد بود. بحث شکل شکل یافته رگرا نیکتری صورت خواهد گرفت در عین حال که به حرکت در آوردن مردم و حتی مقابل با لائیها ساده تر خواهد بود شما نویسی را میتوان در ارتباط با صفها بکار بست. چون محل تجمع مردم - روشن است میتوان ساعتی قبل از جمع شدن آنها در صحن زودشما رهای لازم را که

ایده های مشخص ما را در رابطه با پیشبرد مبارزه به بیان میکنند در آن محله ها نوشت شما نویسی در رابطه با صف از تنوع امکانات بیشتری برخوردار است زیرا در حالیکه شما رهای مادر حالت معمولی با بدتجربه کاملاً درشت و در ارتفاع مشخص از دیوار با شدتا عا برین و با ما شینها آنها را بدست در رابطه با صف میتوان از مکانهای بسیار متنوعی که از چشم فالانژها و با سداران نیز بدور با شد (حتی کف زمین) این عمل را انجام داد. مسلماً افرادی که با آنها در رفت می آید می نشینند، گنا رجوی چمبا ته میزنند، به دیوار تکیه میدهند و... آنها را خواهند دید.

برای پیشبرد تبلیغ کتبی در صفها علاوه بر شیوه های همیشگی میتوان اشکال خاصی را نیز بکار بست میتوان بر اساس با موتور با لای سرفرادا خل صف اعلامیه پخش کرد و از محل دور شد. در عین حال - میتوان از اشکال توزیع را در این مورد مشخص بکار بست مثلاً با خرید ۲۰ روزنامه و نهادن تراکت، اعلامیه و با حتی نشریه در میان آنها سرعت و با مراقبت یک رفیق آنها را در صفت فروخت و از محیط دور شد (اگر رفیق مراقب موتور سوار با شد، دور شدن از محیط بسیار سریع تر است) و... با بدتجربه که در تبلیغ در صفها و در محله از یکدیگر جدا نیست و در ارتباطی از یکدیگر با یکدیگر است. تبلیغ در محله با بدتجربه سگاس خود را در صف ها کسی که در آن سگاس با بدتجربه نشان دهد (اخبار رتقل شده راجع به تراکت پخش شده صحبت شود، شیوه های ارائه شده بکار بسته شود) و تبلیغ در صف با بدتجربه و مردم را در محله با بدتجربه سازماندهی حرکات - اشکال مشخص شکل و... توسط تراکت های توضیحی که در محله توزیع میگردد به بیان مردم برده شود)

در مورد تبلیغ کتبی با بدرتجربه اش که رفیق متبوا شد و با بدتجربه های ویژه - ای جهت پخش در صفها تهیه و تکثیر کنند تا بهترین برد تبلیغی را در میان مردم داشته باشد. ما نمونه ای از این تراکتها را در زیر میآوریم

### \* جنبش کارگری

بقیه از صفحه ۳

مستضعفان روز بعد از آف کاری نکردند و بعد از ساعت کار قانونی، تصمیم رگانه این شرکت را بستند و به خانه ها پشمان رفتند، فردا که به کار با زکشتند نما پنده بنیاد آنها را جمع کرد و گفت: با آف کاری اجباری است و ما کارگری میخواهیم که در مواقع بودن کشتی و هر موقع دلیمان خواست با آف کاری با بستند و کار کنند. در غیر این صورت اجراج میشود و هر کس دلش میخواهد تنگایت کند و ما آری به هیچکس پول نمی دهیم و قانونی نیست. کارگران این قسمت چون اوضاع جا معه مثل سیکاری گران، بظم وستم را می بینند و از آف کاری که تمام کارگران در این اعتراض و اعتاب شرکت نداشتند تا آف را "مجبور به آف قسی کاری با همان شرایط سابق شدند، کارگران قسمتهای دیگر، آفهای که حقوقشان در سطح با شینی بود بطور ضمنی از آنها پشتیبانی میکردند. این واقعه با رگرا ن آموخت که بدون تشکیلات و وحدت و یکپارچگی - کارگران، آنها به هیچکدام از خواسته هایشان نخواهند رسید. و همچنین ما هیت ضد کارگری رژیم را بخوبی به کارگران نشان داد.



### کمپدما یحتاج گران، صف، سرکوب و زورگویی از این نمی رود مگر آنکه: به مبارزه برخیزیم، متشکل شویم، و جلوی مزدوران رژیم بایستیم

**مردم زحمتکش!** هر روز با متبا از عمرتان در صف ها، در سرما و گرما، طلب میشود و بر زمین مال گوشت نیست، یکم مرغ نیست، برون نیست، مرغ نیست، نفت کم است و همه چیز گران و کمیاب است. با عمل اصلی این فلاکت گران، صف سیکاری و غیر رژیم جمهوری اسلامی است که از سرما به آران، مستقران، شما و روان شما حیا بست میکند و در عین وقت با انقلابیون و سرکوب و آف مینما به گران، کمپاسی و آف با نفس و تا سوزا با شکوه و کلاه با بان نمی گردد. به پیغمبر بدتجربه ما همه در محل کارمان، در محل تحصیل ما و در صف ها به رژیم به با سداران، سیمچی، با سیمچی و سیمچی و سیمچی "با لائیها" نفس میدهم اما هر روز با طولانی تر، اجناس گرانتر و کمپاسی تر میشود و ما با بدرتجربه و زورگویی تر و بظم تر میشود.

### راه حل، اتحاد و تشکل ما است، باید رژیم را سرفگون کرد، یگانه همگی به مبارزه برخیزیم

اگر همه اعتراض کنیم، اگر هر کس اعتراض کرد ما بایستن کنیم و آف از همه هم مزدوران رژیم حزب الهی ها و با سداران هر کاری خواهند کردند، اگر طرز و زورگویی آنها با سیم، مزدوران سلاح رژیم هم هیچ عملی نمیتواند شکستد، ما میتوانیم و ما بکارها را خود دست بگیریم.

### مردم مبارز!

ما از همه شما زهر آگندگی و عدم تشکل ما استفاده میکنند و ما را سرکوب نما پند، با شورت با یکدیگر و انتفا با شما پندگی از میان خودکارها را تشکل حسی پیش بریم. اعتراضات خود را شکل دهیم و در مقابل رژیم مبارزه بریم. همه ما از شما پندگان و آف خود حیا بست کنیم و از آنها خواستیم ما با لائیها بنان را به ما توضیح دهند، حیا بست که روزی با حیا بنان دادا که مردم را آف کنند و با حیا بستند و سازمانها با شدت ما شدت رژیم جمهوری اسلامی هیچ کاری نمیتوانند کنند.

جمهوری ما مبارزات متحد بکارها و رگرا ن و زحمتکشان برنگون ما رژیم جمهوری اسلامی

زنده با شورا های مسلح توده ای

### رژیم جمهوری اسلامی، حامی زمینداران دشمن دهقانان

دیوارهای شهر فیا دهکشانند "ج" را اجرا کنید: "با اجرای بندج و د" قیود نشودالی را از پای دهقانان باز کنید، "با اجرای بندج و د" ورود فئودال به دهکشنوع، "اجرای بندج و د" ضرورت و حفظ انقلاب است و "برای اجرای بندج و د" دیگر هیچ عذوبهانه‌ای پذیرفته نیست، "تسلیمات بی امضاء در این باره آنچنان گسترده و گوینده است، که گویی انقلابی در شرف تکوین بوده است، انقلابی در جهت "حل ریشه‌ای" مسأله راضی مشکلات متعدده دهقانی! گویی قانون اصلاحات راضی شورای انقلاب تشریحی بوده است که توسط عناصری ناشناخته و مرموز که در درون حکومت لانه کرده اند، به بند کشیده شده و معطل مانده است، و اکنون دیگر - دیوارها میزبان برآمده و فریاد میکشند بر آستانه! دیگر هیچ عذوبهانه‌ای پذیرفته نیست! اجرای بندج و د" - مسأله راضی را بطرز انقلابی که شو رای انقلاب مقرر کرده حل کنید، دهقانان را از مشکلات تکلیت با رتاریخی برهانید! "تسلیمات این چنین "انقلابی" در باره اجرای موصیه "انقلابی" شو رای انقلاب، "اینها نیز قوم" را هم بوحشت افکنده و در حیرت که در ره رای انقلاب و قوانین انقلابی؟! حتما "اشتباه‌هی روح داده و باید از آن جلوگیری کرد، سران ملت اندیش حکومت نیز کما بر جهت - گیری کلی سیاستان، موقع را مفتنم شمرده و از "افراط کاریهای" مجریانی که نفس قانون را درک نکرده و خود سرانه خواسته اند "انقلابی" انجام وظیفه نمایند به تکلیت برخاسته و اطمینان های لازم در جهت احترام به مالکیت که گویا اجرای خود سرانه بندج و د" آن خدشه وارد - مینموده را داده اند، در این میان عمال مستقیم بزرگ مالکان و روحانیون وابسته به آنها نیز که هر نوع فرمی در مسأله راضی را خدشه دار کردن اسلام میدانند با "کمونیستی" معرفی کردن بندج و د" مقاومت در برابر قانون "انقلابی" اصلاحات راضی را دامن زده اند، در اینجا آنچه که بین خواستاران پرو پا قرص اجرای بندج و د" و مخالفین سرسخت آن مشترک است، همانا "انقلابی" دانستن "قانون اصلاحات راضی" است، مسلطین اجرای بندج و د" که نیروی عظیمی را در جهت بردن این قانون "انقلابی" میان مردم و فشار بر هیات حاکمه "انقلابی" مردمی صرف کرده اند، اجرای دو بند فوق را کلید حل مسئله راضی دهقانی بندها (ویا و انمود کرده) و برای اجرای آن سینه جاک میدهند، و مخالفین نیز با انقلابی دانستن دو بند فوق، و بیان اینکه دیگر "دوران انقلاب" و "هرج و مرجها" برآمده و "سال قانون و اجرای مقاد قانونی است و نه انقلابی"، اجرای قانون ضرورتا هرج و مرج طلبی، "افراط کاری و لگنه دار شدن" دامن مقدس مالکیت خصوصی اعلام کرده و به مجریان اخطار می‌کنند که اگر از حدود پا فراتر بگذرانند، آنها را مجرم شناخته و "تعقیب قانونی و تعدی شرعی" میکنند، خلی کلام هر دو جریان این است که بندج

و د انقلابی است و اجرای آن و تغییر در تحولاتی بنیادین در روستاها را در پی دارد، آیا برآستی این چنین است؟ بنا بر قانون اصلاحات راضی شورای انقلاب، برآوست صلیفین آن (توده‌ای ها) اکثریتی های راست و... تشریح است که توسط عناصر متشکوک و غیر قابل اعتماد درون هیات حاکمه به بند کشیده شده است، ما مکررا "دو کار" برده از با هیات رفرمیستی قانون اصلاحات راضی - کشیده ایم و دلالتی که هیات حاکمه "انقلابی" را و ادا ربه تصویب آن نمود (السته فقط تصویب و نه اجرا)، فاظر نشان کرده ایم، اما از آنجا که این مسئله هنوز بصورت مختلف در سطح جامعه مطرح است، بوسیله رفرمیستها بعنوان - قانونی انقلابی و توسط ارتجاع راست بعنوان قانونی کمونیستی، در اطراف آن ها هویراه افتاده است، ضروری - مینماید که یکبار دیگر - هر چند به اختصار - ما هیات و مشخصات اصلاحات راضی شورای انقلاب بررسی شود، علاوه اینکه ما در بیات فرم مبارزاتی مشترکان با راه کار گرجو جناح چپ اکثریت، خطوط کلی یک طرح اصلاحات راضی دموکراتیک را ارائه داده ایم، که این بررسی - میتوان از زمینه‌ای در جهت روشن تر - نمودن هر چه بیشتر طرز تلقی ما نسبت به مسأله راضی و دهقانی باشد.

قانون اصلاحات راضی، زمینهای - قابل واگذاری را به ۴ بند تقسیم کرده است، در مورد دو بند اول آن یعنی بند الف (راضی موات) و بند ب (راضی که "دادگاه صالح اسلامی به اشتراک آنها حکم داده" و تحت اختیار "حکومت اسلامی" است) ظاهرا "اعتراضی وجود ندارد، - آیات عظام و مالکان هم هیچ یک بر این دو بند خرده‌ای نمی‌گیرند، این همان - بندی است که خمینی سزا داده است برای آرشا بلا مانع تشخیص داده است، اما دو بند دیگر قانون مزبور، یعنی بندج "راضی با بر مالکان" و بند د "راضی با بر مالکان با اعتراضات شدیدی مواجه شده و همه قیل و قال ها در مورد قانون فوق منبعت از وجود این دو بند است، این همان دو بندی است که خمینی دستور توقف آنرا صادر کرد، حال بسیم نحوه، و واگذاری این ۴ قسم راضی به چه ترتیب پیش بینی شده بود و نتایج مترتب بر اجرای آن چه میبود، آنچه که حتی در نخستین نگاه به قانون اصلاحات راضی بچشم میخورد، وجود اینها موات و دو پهلوی گویی ها است که نه از سری اطلاعاتی بلکه با ظر ملحمت اندیشی ها در بند، بند قانون گنجانده شده است، با این عمل، شورای انقلاب - در آن مقطع - ضمن اینکه نظریات دربارت نه‌ای مختلف درون هیات حاکمه را در قانون ملحوظ میداند (که جز با دو پهلوی گویی میسر نبود) دست هیات حاکمه را در نحوه تحسیر و اجرای قانون - به تناسب مسازات دهقانی، با زمینگذاشتن سر با زدن هیات حاکمه از اجزای قانون فوق و تفسیرهای متعددی که از آن بعمل آمده است استفاده از همین ایها مات نهفته در قانون بود، قانون فوق چنان محتاطانه

و دست به عمارت تنظیم شده که حتی بندها الف و ب را هم با شرط و شروط های خود محدود و قابل تفسیر گردانیده است، در چگونگی واگذاری راضی بندها الف و ب چنین مقرر شده است که "حکومت موظف است با رعایت مصالح جامعه" و حدود دنیا زوتوانا شسی اشخاص بهره برداری آنها را به افراد یا شرکت ها واگذاز کند، "معالج جامعه" چیست و چگونه تعیین میشود؟ این شرطی است مبهم و قابل تفسیر که هیات حاکمه در شرایط مختلف میتوانند آنرا بنا بر مصالح حکومت تفسیر کنند، مثلا "حکومت میتواند دنیا بر" مصالح جامعه" حتی از واگذاری راضی موات صرف نظر کند، و تا زه چنانچه "معالج جامعه" جهت واگذاری این دونوع راضی ایجاد کند، به مسأله حدود دنیا زوتوانا شسی: "خاص می رسم" با چه ملاکی این دو موضوع را باید تسخیر و چه ارگانی وظیفه تسخیر آنها را دارد؟ باز هم ایهام، "مثلا کدام دهقان تهیدستی است که دنیا زندها شده باشد در عین حال - کدام دهقان تهیدستی است که توانا شسی کشت و بهره برداری از راضی موات که حتی در صورت امکان با زوری به سرمایه ای مکفی نیاز دارد، را دادا را با شمس؟ و حال اگر از این موانع و ایها موات نیز بگذریم، حاصل واگذاری راضی موات به دهقانان بی زمین یا کم زمین جز به ورشکستگی کامل کشاندن اکثریت آنها طی یکی دو سال، چه نتیجه‌ای دارد؟ در حقیقت علت اینکه در مورد این دو بند و بویژه بندها الف از طرف مالکان و آیات عظام اعتراض نمی‌شود، همین است، نه مالکان بزرگ چیزی از دست میدهند، و نه دهقانان چیزی جز ورشکستگی - نصیبشان میشود، دو بند "ج و د" که ظاهرا "دلالت بر تقسیم راضی با برودا بر بزرگ مالکان دارد، با اما واگراها و تهره های متعدد، محدود، دست و پا خسته و از با راضی شسی شده است، بر اساس ضوابط واگذاری از زمین، بندج در اولویت سوم (پس از راضی بندها الف و ب) قرار دارد، البته بهمین اندازه نیز اکتفا شده در جهت امتیازی به مالکان راضی با - نخست به ما حیان آنها اولویت میدهد تا به عمران آن بپردازند "به این صورت مالکان این نوع راضی فرصت می‌یابند که بهترین راضی با بر را که از نقطه نظر اقتصادی، کشت آن میتواند مقرون به صرفه باشد، برای خود برداشته و این راضی را از حوزه مشمول بندج "فارج کنند، بنا بر این آنچه که از واگذاری راضی بندج به دهقانان می‌رسد، آن نوع راضی است که ظرف ۵ سال ضروری آن کشتی صورت - نپذیرفته و با توجه به امتیازی که برای مالکان در نظر گرفته شده، از بدترین نوع این راضی است، اما چرا مالکان این نوع راضی، طی مدت ۵ سال زمین های خود را زیر کشت نبرده و حالا هم حاضر نیستند به کشت آن بپردازند؟ "حساب روشن است، از نظرا قتصادی به صرفه نبوده است، بهره دلیل بی آبی، کم آبی، بهره دهی کم، نا هموار بودن زمین، دور بودن - بنده در صفحه ۸

## زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

# روزم جمهوری اسلامی

## حاملی ...

بنده از صفحه ۷  
از مراکز بازاری و غیره. به این ترتیب تصور سرنوشت آن دهقان بی زمین و با کم زمین که ما حب اینگونه اراضی پست میشود زیاده دور از ذهن نیست. با کمی تخفیف میتوان همان نتایج بددالف را برای او تصور شد.

حال ببینیم واگذاری اراضی بندگی یعنی اراضی دایر مالکان که معصنه اصلی کشمکش بین دهقانان و مالکان است، تحت چه ضوابطی پیش بینی شده بود. در این باره قاعده بر عدم واگذاری این نوع اراضی است. مگر بطور استثنا. این نوع اراضی تا سه برابر عرف محلی (که تعیین این مقدار خودداری) - اسیها مات و مشکلاتی است. مضمول و گذاری نمی شود. بیش از این مقدار در صورتی - واگذاری میشود که کشاورزان وجود دارند که فاقد زمین زراعی هستند و جز از راه گرفتن مال از زمین اینگونه مالکان نمیتوان آنها را صاحب زمین زراعی کرد. موضوع روشن است: اولاً این بند فقط کشاورزان فاقد زمین را شامل میشود. به این ترتیب با زفتا بر تقسیم اراضی دایر بزرگ مالکان کاسته میشود. ثانیاً در صورتی به این کشاورزان فاقد زمین اراضی بندگی واگذار میشود که به هیچ ترتیب دیگر نتوان آنها را صاحب زمین کرد. قانونگذاران برای محکم کاری در این باره، تصریح می نماید که هم به آن اضافه کرده اند که "در صورتیکه در محل یا نزدیک آن زمینهای بندگی القاب و وجوه داشته باشند اول آن زمینها به کشاورزان داده میشود" و به این ترتیب نیز جزیی - اماکن واگذاری اراضی بندگی را - منتفی کرده و آنرا بصورت یک استثنا در آورده اند. درست از همین زاویه است که سران حکومت پس از توقف بندگی و اعلام کردند که اصل بر واگذاری اراضی موات بوده و یا راهی تجریان به نکات ظریف قانون توجه ننکرده اند. و با اینکه زمین یکی را بگیریم و دیگری بدهیم کلاه کلاه میشود" و با با جاره و مزارع که از مسلمات فقه شیعه است بی ارزش میشود.

کمی تا مل در ضابط و گذاری اراضی بندگی (که در اطراف آن بعنوان محور اصلی و انقلابی قانون اصلاحات ارضی هیا هویرا انداخته اند) کافی است تا ماهیت و هدف قانون را آشکار کند. هدف ما بودی بزرگ مالکی نیست، بلکه انحراف مبارزات دهقانی و سرکوب آن با واگذاری اراضی موات و در شرایط بسیار محدود و استثنا اراضی بایر و دایر مالکان است. اگر هدف ما بودی بزرگ مالکی بود، آنگاه باید بدون هیچ قید و شرطی واگذاری زمین، از اراضی وسیع بزرگ مالکان شروع میشد، و نه اینکه اگر اراضی بددالف و با کفای نبود، با هزارا ما و اگر نوبت به بندگی میرسد.

می گویند که از محکم کاری عیب نمی کند و الحق که هیا تخاکه در این باره سنگ تمام گذاشته است. اگرچه همانطور که دیدیم واگذاری اراضی بندگی مد نظر نبوده است، لیکن برای اینکه مبادا - روزی روزگاری، بناچار در جایی زمینی از مالکی گرفته شود و حقاً از اوقایع شود (که مبادا روزاً) بدقت قفسوق مالکان بندگی بندد در قانون قید شده است.

قانونی که در مورد واگذاری زمین با مبهم گویی و دوپهلو گویی مسئله را فیصله میداد، در اینجا با کمال دقت قیمت زمین تا سیات کثا و رزی و غیر کثا و رزی مستقر در آن، به تفکیک و همرا با چند تبصره کمکی تشریح و تعیین شده، که از بیست - المال با بدیه مالک پرداخت شود. آیا بهتر از این امکان داشت که یک حکومت انقلابی و مردمی حقوق مالکان را در مقابل ممانع و بلاعوض زمینها بشان توسط دهقانان، حفظ و حراست کند؟

حکومت از تصویب قانون اصلاحات ارضی قعد سرکوب جنبش های دهقانی را داشت. اگر چه این امر در چگونگی واگذاری زمین که تا کنون به آن اشاره کردیم، مستور و پوشیده است، لیکن در قسمتی که وظایف هیات های ۷ نفره و تصدیقات دهقانان تشریح شده، شکلی آشکار می یابد. وظایف هیات های ۷ نفره و تصدیقاتی که دهقانان در قبال دریافت زمین با بد متقبل شوند، آنچنان تنظیم شده که بتوانند حداکمیت پلیسی - بوروکراتیک رژیم را بر روستاها اعمال کرده و دهقانان را به انقیاد بکشاند. - هیات های ۷ نفره وظیفه دارند که تنوع کشت، چگونگی کشت، نحوه واگذاری زمین حل و فصل قفایای مورد نزاع، تشریحی ملاحظیت و میزان استفاده از ازم و ... و کلاً نحوه کشت و زندگی دهقانان را کنترل کرده و در مورد آن تصمیم گیری کنند. این هیاتها رسالت دارند که به مثابه قدرتی جدا از توده های دهقانی و مافوق آنها نیز روستا را در اختیار گرفته و حداکمیت اقتصادی - سیاسی و ایدئولوژیکی رژیم بر روستا را تثبیت کنند. اینک در اینجا و آنجا، عناصری هر چند "خوش نیت" در هیات های ۷ نفری وجود داشته باشند، در رسالت عمومی این هیاتها تفسیری نمی دهد و آن عناصر خواه نا خواه در خدمت این رسالت عمومی قرار دارند.

با مطرح بودن این نوع اعمال - قدرت بوروکراتیک بر روستاها، کاملاً طبیعی است در قانون اصلاحات ارضی هرگونه ابتکار دسته جمعی دهقانان، هرگونه تشکل آگاهانه و آزادانه آنان (شورا و ...) و کلاً هرگونه حرکت مستقل آنان نفی شده باشد. در این قانون - دهقانان حتی از ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک مثل انتخاب آزادانه، نما بینه نیز محرومند و نما بینه - پیشنها دی آنان با بد مورد تا شیبند حاکم شروع با شد.

بر مبنای قانون مزبور حکومت نه تنها از هر نوع تشکل آزادانه دهقانان جلوگیری می کند و از طریق هیات های ۷ نفره به اعمال قدرت می پردازد بلکه برای جلوگیری از هر نوع برآمد مبارزاتی و یا هر نوع اعتراضی، دهقانان را در پیچ و خم تصدیقاتی دست و پا گیر اسیر می کند. در آیین نامه اجرایی قانون، تصدیقات دهقانان در بند تدوین شده است. در اینجا کافی است که بنده هشتم از این تصدیقات را عیناً نقل کنیم تا هدف از تصویب قانون مزبور، که همانا به انقیاد در آوردن - دهقانان بوده است، بیشتر روشن شود: "انتقال بزرگه ملزم به رعایت مفاد قوانین و مقررات و آئین نامه های معوب دولت جمهوری اسلامی ایران بوده و در صورت تخلف، هیات و یا مسئولین امر میتوانند طبق مقررات مزبور اقدامات مقتضی انجام دهند." این بند آنچنان نیست و اقمی طرح و گذاری زمین را عریان به تماشا میگذارد، که دیگر نتوانی

به تشریح آن باقی نمی گذارد. غالب اینجاست که با وجود این همه شرط و شروطها و تصدیقات، تصدیق و گذاری زمین نه تنها بستگی به عملکرد مظلوم دارد، و نه تنها "منوط به انجام کلیه تصدیقات" می باشد، بلکه "منوط به سیاست کثا و رزی جمهوری اسلامی نیز می باشد. یعنی به صلاح و مصلحت رژیم بستگی دارد، هماغه طور که صلاح و مصلحت رژیم اقتصاد نموده حتی قبل از آنی که موردی از تصدیق در کار باشد، کلاً ساله و گذاری را ملغی کند! این اساس "سیاست کثا و رزی جمهوری اسلامی" است.

پس بطور خلاصه قانون اصلاحات ارضی با مبهم گویی، اما و گرها و تبصره ها شی چند دست حکومت و مقامات محلی را در تفسیر قانون با زگذاشته، بنا بودی بزرگ مالکی را هدف قرار داده و وقتاً بعد را بر واگذاری اراضی موات گذاشته است. و گذاری اراضی دایر مالکان بصورت محدود و موقتی فقط یک استثنا بصورت می آید. در عین حال برای اینکه هیچ حقوقی از بزرگ مالکان تسبیح نشود پیش بینی های لازم برای پرداخت قیمت زمین و تسهیلات آن بعمل آمده است. تصدیق قرار داد زیکسور منوط به سیاست کثا و رزی جمهوری اسلامی است، که بسبب بیانات کلیفی است و از سوی دیگر منوط به تصدیقاتی است که دهقانان را عیناً به زاشده حکومت تبدیل می کند. قانون مزبور با بندایش ترین حقوق دموکراتیک دهقانان را سلب کرده و قدرت پلیسی - بوروکراتیک حکومت را از طریق هیات های ۷ نفره بجای قدرت مالک می نشاند.

بنا بر این، آنچه که گذشت آشکار - میشود که قانون اصلاحات ارضی (مشمول بر بندج و د) رسالت با سخگوشی بنده خواهشهای تاریخی دهقانان (زمین، آب، و ...) و سایر مطالبات آنان (شورا و ...) را ندارد. همچنین این قانون - وظیفه ندارد که مواضع فتوای شیعه مناسبات سرمایه داری را حذف کرده، - بازاری و سیمی برای فروش کالا و نیروی کار را زان و فراوانی را برای بورژوازی فراهم کند. این کار قبلاً توسط رژیم ارضی شاه، از بلاینفع بورژوازی و بقیمت خانه خرابی دهقانان انجام پذیرفته است. پس رسالت این قانون در چه بنفشته است؟

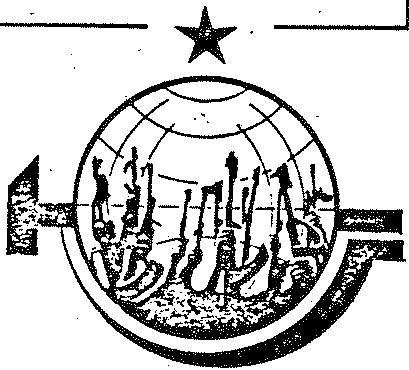
این قانون در شرایطی به تصویب رسیده که جنبش انقلابی دهقانی در اوج خود، با مصا دره، بلاعوض اراضی بزرگ مالکان، با حرکت های دسته جمعی و تشکیلی شوراها بمانا به ارگانی برای قوت بخشیدن به اقدامات دهقانی و تدایم مبارزات آنها، نه فقط منافع بزرگ مالکان را بخطر انداخته بود، بلکه حداکمیت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در روستاها را نیز زیر سؤال می کشید. همچنین آن دسته از نیروهای انقلابی و مترقی که در جهت تدایم انقلاب، از خواستهای انقلابی دهقانان پشتیبانی کرده، در جهت تشکل هر چه وسیعتر آنان و ارتقاء سطح مبارزاتیشان می کوشیدند از زمینه های مساعدی برای جذب دهقانان برخوردار نبودند، همچنین شدت گیری بنفها دی درونی جناحین هیات حاکمیت که در ماهیت ازمعدت با زبانی از شیوه های مختلف جلوگیری از تشکل و انقلاب و با زبانی نظام سرمایه داری بود، همه و همه لزوم تدوین قانونی را در این باره اجتناب نا پذیر میکرد. پس رسالت چنین قانونی، انحراف مبارزات دهقانی، سرکوب شوراها، جلوگیری از تشکل عریان به تماشا میگذارد، که دیگر نتوانی





# ★ زنده باد انقلاب پرو (۸) ★

## جنبش جهانی کارگری - رهائی بخش



بخش هشتم (بخش ماقبل آخر) این -  
سلسله نوشته را با آدامه قمل و انضام لاتی  
که در دوران جنبش اتحادیه گراشی و کارگری  
پرورخ میداد، آغاز میکنیم. تجارب و  
دست آوردها شی که جنبش کارگری پرو در  
این برهه بگفت آورد، تجاربش است که بر  
غضای پیشینه جنبش کارگری، هم در محدوده  
جغرافیای شی پرو، هم در چهارچوب قاره ای  
آمریکای لاتین و با زهم از آن فراتر، به  
غضای دست آوردهای جنبش جهانی کارگران  
خواهد افزود. طبقه کارگر پرورد را این برهه  
مواقع گوناگونی را که از جانب دشمنان  
رنگارنگ اش آراشه میشد، به محک تجربه  
زد، به مرات میتوان مدعی شده رادیکالیسمی  
که هم اینک در بریند جنبش کارگری پرو  
جریان دارد، عمدتاً "پیشه در تجارب بدست  
آمده از رخدادهای طبقاتی این برهه از  
تاریخ ماسرپرودارد.

که چندی بعد حزب را از درون داغان کرد.  
رو در رویا فتا رفرم ایستاده ای کشته  
از داخل و خارج بر رهبری "حزب کمونیست"  
پرو (P.C.P)، و از آمدن رهبری حزب  
شاید تا "محبوبه حمایت دومین اعتصاب  
سراسری گردید. اما جنبش حمایتی نیز  
نتوانست دیرپا بماند. چند روز پیش از  
برپائی اعتصاب عمومی، خونخوئی نظامی  
خیمه شب بازی مخره ای را علم کرد. خیمه  
شب بازی ای که حکایت از درگیری های  
مرزی مابین پرو و اکوادور میکرد. خطر  
جنگ جدی بود. رئیس جمهور "مورا لاسر  
برمودا" تفریباتن تا مهای از رهبری  
"کنفدراسیون عمومی کارگران پرو"  
(C.G.T.P)، خواست که بخاطر حفظ وحدت ملی  
در برابر تها و زخارچی "از دست زدن به  
اعتصاب عمومی پرهیز کنند. جناحی از  
رهبری "کنفدراسیون عمومی کارگران پرو"  
که بواقع سیاست های "حزب کمونیست پرو"  
(P.C.P) را نمایندگی میکردند، بلافاصله  
به این درخواست پاسخ مثبت دادند. و با  
این اقدام عملاً "خارجیانت را بر کلوا گاه  
جنبش کارگری پرو نهادند.  
اما دور ز پیش از زمان تعیین شده -  
برای اعتصاب، ژنرال "یدرو ریختر" فرمانده  
نیروهای مسلح پرو، و ژنرال "یا ولگا سورا"  
فرمانده نیروهای مسلح اکوادور، با  
بوسه های برادری، دست یکدیگر را فشردند  
و به اختلافات مرزی پایان دادند. جناح  
خیمه شب بازی نظری میان و اغوای فرمت -  
طلبی که در رهبری "حزب کمونیست پرو"  
و "کنفدراسیون عمومی کارگران پرو"  
(C.G.T.P) به سنگر نشسته بودند، شکست  
اعتصاب بودویس، آنهم گشتی از پیشتر  
جدا از توده های وسیع کارگر، کشوری از  
اعضا، حزب "نیر رهبری" "حزب کمونیست  
پرو" (P.C.P) را علناً "خائن نامیدند.  
بدنیال جنبش یا پس کشیدنی عربان،  
از سوی رهبران زفرمیست، "حزب کمونیست  
پرو" (P.C.P) دستخوش انشعاب شد. اکثریت  
اعضا، و کاردهای کارگری حزب، با نهادن  
نام "حزب کمونیست پرو" اکثریت  
(P.C.P - M) سرخود، جناح بقایت راست  
حزب را که از آن پس با نام "حزب کمونیست  
پرو" وحدت (P.C.P.M) شناخته میشد، از  
حزب اخراج کردند. (وحدتی ها "گروه  
نخست را ماورا" جبه" و جاسوس پلیس!  
نامیدند.

طلبه نخستین اعتصاب سراسری و -  
گسترده، با اعلام فراخوانی درخشید، که از  
سوی "کمیته مبارزه متحد (C.M.E)" برای  
روزهای ۲۰ و ۲۱ ژوئیه سال ۱۹۷۷، آراشه  
شده بود. از آنجا که شرایط اضطراری اعلام  
شده از سوی دولت، همچنان با بر جای بود  
کارگران اعتصابی را همچنان خطرا خراج  
تهدید میکرد. دولت در پی آن بود که با  
بکار انداختن هر چه گسترده تر ابزارهای  
سلیخ و سرکوب خویش و مدد گرفتن از بیختر  
- های خصوصی خدمات (بنگاههای کوچک  
حمل و نقل، رانندگان که خود مالک  
وسیله نقلیه عمومی خویش بودند و غیره)  
از ادا مدهای اعتصاب هر آنچه که  
ممکن است بکا هد، در نخستین ساعات -  
با مداد روز ۱۹ ژوئیه، کارگران واحدهای  
بزرگ تولیدی که در حاشیه لیما میزیستند  
تأمی بزرگ راه ها شی را که به پایتخت  
منتقل میشد، بستند و با سنگباران کردند  
هر وسیله نقلیه ای که اعتصاب نکنان در  
آمد و کشید، رفت و آمد را بکلی قلع کردند  
اعتصاب عمومی همه جا دا من گسترده بود.  
از معدن مناطق مرکزی "ندس" گرفته،  
تا ساحلی که نسبتاً به صید ماهی اختتامی  
داشت، اعتصاب همه جا بود.  
اما نخستین شاره های با زتاب این  
عمل توده ای را، اغوای خائنین، خیلی -  
زود به خاموشی سپرد. در غروب نخستین  
روز اعتصاب، "حزب کمونیست پرو" (P.C.P)  
با نفوذی که بر بخشی از رهبری "کنفدراسیون  
عمومی کارگران پرو" (C.G.T.P) داشت، -  
هر آن از گسترده گئی مبارزات توده ای که  
میرفت یا به های رژیم با صلاح ضد -  
امپریالیست را ازین مزبه بزند و فضای  
آرام مطلوب زفرمیست ها با خون و آتش  
رنگین کند، اعلام نمود که خواست های -  
کارگران از سوی دولت نظماً میان برآوردنی  
است و از این رو دیگر اعتصاب پس است.  
سویال زفرمیست ها از کارگران -  
خواستند که مو، دبا به سرکارهای خود -  
برگردند. همین، وحدت عملی چنان جان  
سخت و چنان منتهجبه یکبارها از درون -  
ضربه خورد، فراخوانی جنبش خائنانسه  
از سوی بخشی از رهبری "کنفدراسیون

عمومی کارگران پرو" (C.G.T.P)، کشوری  
از توده های کارگران پرو هیچگونه  
پشتوانه ای عملاً در برابر سرکوب بورژوازی  
رها کرد. پلیس و ارتش بورژوازی نیز  
لحظه ای را در بهره گیری از این شرایط -  
برای فروگرفتن هر چه بیشتر جنبش کارگری  
از دست ندادند. مدها تن از رهبران اتحاد  
- به های کارگری و دانشجوئی را دستگیر  
کردند. دستکم ۹ تن از کارگران در جریان  
این تهاجم توسط پلیس و دیگر نیروهای  
ویژه ارتش به خون خفتند، و خونخوئی نظامی  
بلافاصله اعلام کرد که ما حیان کارخانه ها  
از این پس این اجاز را خواهند یافت تا  
هر کارگری را که بگونه ای به اعتصاب -  
گرایش داشته باشد، اخراج کنند. خونخوئی  
نظامی سران داشت تا تمامی دستاورد های  
جنبش کارگری پرو را که به بهای سالیان  
سال مبارزه خویش بگفت آورده شده به -  
یکبار رهزیر پا گذارد. بدنیال اعلام این  
مطلب، نزدیک به ۶۰۰ کارگر که اکثرشان  
را فمالین اتحادیه های کارگری تشکیل  
میدادند، از کارخانه بیرون رانده شدند.  
بورژوازی پرو با بهره گیری از این  
شرایط، فریاد میزد که "حال میشود -  
سیاست عقلانی کردن تولید را پیش گرفت"  
و برآستی چه هدیه ای بهتر از این برای  
بورژوازی پرو از سوی "خونخوئی ضد -  
امپریالیست"؛ اخراج دسته جمعی  
کارگران بیرون بردا خت صناری بول، برای  
بورژوازی پرو این تنها می توانست یک  
موهبت الهی باشد و بس.  
اما مبارزات کارگران همچنان اینجا  
و آنجا چشم میخورد و دا من میگسترانند.  
بتدریج خواست با زکشت ۶۰۰۰ کارگر  
اخراجی بر سر کارشان، به اصلی ترین  
خواست مبارزات کارگری بدل شد، و همین  
مبارزات برآکنده سر آخرش ما پس از آن  
به گل نشست: با ردیگر فراخوان اعتصابی  
۷۸ عهده براری روزهای ۲۳ و ۲۴ ژوئیه  
۱۹۷۸، از سوی کمیته مبارزه متحد (C.M.E)  
اعلام شد. در این زمان، بدنیال تجریاتی  
که از نخستین اعتصاب بدست آمده بود،  
شرایط حاکم بر "حزب کمونیست پرو" (P.C.P)  
سیا ربحرانی بود. بدنیال عقب نشینی  
خائفا نه رهبری این حزب در جریان  
نخستین اعتصاب، بسیاری از کاردها و  
اعضای حزب، علناً "رهبری را به زیر سوال  
برده بودند. چند روزی مانده به دومین  
اعتصاب عمومی سراسری، یکی از اعضای  
کمیته مرکزی حزب، بنام (ونتورا زگرا)  
- آراناً، "کمیسیون حزب را متهم کرد که  
روزنا مرسوم حزب را به ارگانی شخصی  
برای اراکه نظرات خود در ربط با حمایت  
بی چون و چرا از رژیم نظماً میان بدل کرده  
است. بیانیهای که مهای "زگرا" را  
زیر خود داشت، حاوی این نکته بود که  
کمیسیون سیاسی حزب در حمایت بی دریغ  
از خونخوئی نظامی، چه آن زمان که  
"ولکو" سر قدرت بود و چه این زمان که  
"مورا لاسر" بود. آنقدر راه اغوای بیموده  
که سبب نادیده گرفتن کاستی ها و نارسائی  
- های موجود در عملکردهای دولت نظامیان  
شده است. این بیانیته نظمه انشعابی شد

بقیه در صفحه ۱۰

# مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائی بخش جهان



### زنده باد انقلاب پرو (۸)

همای جنین فعل انفعالات طبقاتی- سیاسی ای، بحران اقتصادی نیز همچنان اوج میگرفت. خونشای نظامی سنگتال ۱۹۷۸ را سال "ریاضت طلبی" نامیدند. کارگران همین سال را "سال بدبختی" نامیدند. پس از یک دوره دهساله، حکومت با صلاح انقلابی، بواقع در تنگنا قرار گرفته بود. حکومت گویا "فدا میریالینت" که آنهمه در بیوق و کورتا به سیریا لیزم خیالی خود می تاخت، به گونه ای عربیان انصار خود را بدست نظریه پردازان صندوق بین المللی پول (I.M.F) داده بود. خونشای نظامی دیگر قادر نبود که بگونه ای مو، شوقا کمیت خویش را اعمال کند. اعتراف به همین امر، سب زمینیه سازی آبرومندان و آینه نگر برای پستی کشیدن از قدرت، از سوی ایشان شد. نور ۱۱ نوامبر ۱۹۷۷ ژنرال "مورا لیزر مودا" اعلام کرد که در زوین سال بعد، پرو شایسته انتخاباتی خواهد بود که ازین آن مجلسی مؤسسان برای تدوین قانون اساسی جدید تشکیل خواهد شد. همان زمان ژنرالها وعده دادند که بر اساس قانون اساسی تدوین شده در مجلس مؤسسان گذاشتی نظامیان در سال ۱۹۸۰ قدرت را به غیر نظامیان خواهند سپرد.

سخت پیرامون فراخوانی مجلس مؤسسان، نیروهای چپ را نیز درگیر خود کرد. برخی از جریان های چپ که گرایشات "چینی" داشتند، انتخابات را توطئه ای ارتجاعی می خواندند. برای مشابه سایر امدهای توده ای و همین از این رو تحریم اش را میخواستند. اما اکثر نیروهای چپ بر این باور بودند که انتخابات حتی اگر در عمل نیز گویانه ای غیر دمکراتیک انجام پذیرد، با ززمینه ای را فراهم خواهد آورد که بر ستران نیروهای چپ تا در خواست نمودن با استفاده از شیون انتخاباتی به تبلیغ و ترویج نظرات خوش دست زنند. اینان شرکت در انتخابات را یکی می دراستای عربان نمودن هر چه بیشتر جدو مرزهای منافع طبقاتی میدیدند.

با چنین دریافتی از تاکتیک های سازمانی - چپا رجوبی برای اتحاد عمل با نام "اتحاد مگرا تیک مردمی" (U.O.P) که ۱۸ سازمان چپ را در خود جای میداد، برپا شد. اکثر این ۱۸ سازمان خود را مارکسیست - لنینیست می خواندند، ولی در پس آنجا میشد از "حزب کمونیست پیرو - اکثریت" (P.C.P.A) تا تروتسکیست های "حزب کارگران انقلابی" (P.R.T) - سراغ گرفت.

درست در میانه کارزار انتخاباتی، اقتصاد دپرو در اوج بحران خویش بسر میرد. در ماه فوریه، صندوق بین المللی پول دولت پرو را فاقد سئیه اقتصادی برای بای بندی به قرار نامه های تدوین شده با خود خواند. ذخیره بانک مرکزی پرو تنها "از ارزش خارجی تنبی شده بود. بانکهای خارجی سرعت پیشنهاد دو میلیارد دلاری را که قرار بود در اختیار خویشای نظامی قرار دهند، پس گرفتند. تنها اتحاد شوروی بود که موافقت کرد تا شرایط سیل تری را برای بازپرداخت بدهی های که دولت نظامی پرو بابت بیهای تجهیزات نظامی خریداری شده از شوروی داشته فراهم کند. تحت چنین شرایطی از بحران فزاینده اقتصادی، خونتا، یکی دیگر از بزرگ های

دفتر برنا مه "ریاضت طلبی" را ارائه کرد. در حالی که نرخ تورم از مرز ۸۰ درصد گذشت، به یکباره بیهای شیر و روغن - خوراکی و نفت دو برابر اعلام شد. کارگران عضو فدراسیون منطقه لیمبا، از "کنفدراسیون عمومی کارگران پرو" (C.O.T.P)، فراخوان سومین اعتصاب عمومی را خواستار شدند. سومین اعتصاب گسترده سراسری در مدت کمتر از یکسال.

هنگامی که کنفدراسیون عمومی کارگران پرو (C.O.T.P) و کمیته مبارزه - متحد (C.M.A) اعتصابی ۴۸ ساعته را برای روزهای ۲۲-۲۳ ماه مه اعلام کردند. پلیس بورژوازی شروع به دستگیری مدها تن از رهبران اتحادیه های کارگری و سازمانهای انقلابی چپ کرد. در ۲۰ ماهه رئیس جمهور "مورا لیزر مودا" در تلویزیون ظاهر شد تا مردم پرور از اثرات ناخوشایند این اعتصابهای بزمینیه فراخوانی مجلس مؤسسان بپهرمانند. اما چنین تهدیدهایی بی ثمر می نمود. چرا که خونتا حتی پیشتره از این تاریخ نیز با دستگیری ۱۲ تن از کاندیداهای سازمانهای چپ برای این مجلس مؤسسان، تهدیدهای بیشتر را آغاز کرده بود. کثیری از فعالین جنبش کارگری به انتخاب زندگی مخفی رانده و زورنا تمه های مترقی نیز از سوی نظامیان توقیف شده بودند. زمانسی که ژنرال ها فهمیدند که کارگران و رزمندگان گوششان در هکرا زاین تهدیدها نیست، حالت فوق العاده نظامی را اعلام کردند و همانا قانون اساسی موجود را نیز زیر پا گذاشتند. اما اعتصاب سراسری عمومی، چنان گسترده و همگانی بود که بزحمت میتد. نمونه ای همسگ باقی را در تاریخ معاصر مبارزات کارگران و رزمندگان پرو سراغ گرفت. در نخستین روزا اعتصاب ژنرال ها - اعتصاب بران غیرقانونی خواندند و سها صاحبان واحدهای تولیدی حق اخراج بی چون و چرای کارگران اعتصابی را اعطا کردند. عبور و مرور تنها ممنوع شد. سربازان حق آتش در محدوده زمان منسغ عبور و مرور، از زانی گردید. اما اعتصاب همچنان موفقیت آمیز دو مین روز خود را نیز پشت سر گذاشت.

دستکم ۲۲ تن در جریان اعتصاب بدست پلیس و نیروهای ویژه ارتش کشته شدند. ۱۲ تن از کاندیداهای سازمان چپ که بیشتر دستگیر شده بودند، به آرزو انتیسن تبعید گردیدند.

هر چه گذشته ها شای اینجا و آنجا بچشم می خوردد ا بر سر اینکه چهره های اصلی خونتا خواهان تطبیق انتخابات پلیس مؤسسان اند، اما ژنرال "مورا لیزر مودا" همچنان بر فراخوانی مجلس مؤسسان اصرار میکرد. برآستی آیا برای خونتا بدیلی دیگر باقی مانده بود؟

انتخابات مجلس مؤسسان در ۱۸ ژوئن انجام گرفت. در جریان انتخابات نظامیان در شرایط فقدان سازمان سیاسی از خود بیشترین تلاش را برای پشتیبانی از کاندیداهای "حزب آبرا" (A.P.A) بکار بردند. "حزب کش مردمی" (A.P.) نیز هر اسان از قدرت بانی نیروهای چپ انقلابی، تمامی هو عم خویش را بکار گرفت تا آرای خود را به نفع "حزب آبرا" (A.P.P.A) در صندوق ها بریزد. شرکت های چند ملیتی در جریان انتخابات عملاً جانب حزب ما و را راست "مردمی مسیحی" (P.M.C) را گرفتند. اما سها بین وجود ۲۵۰۰ درمدا رانی که این حزب بخود اختصاص داد، سروشی نمایانگر روی گرداندن هر چه بیشتر توده ها از این حزب پرچمسدار "قواشین الپی و ازی" بود. اما برای نخستین بار پشتیبانی

توده ای از سازمانهای چپ در جریان انتخاباتی از این دست، بواقع چشمگیر بود. با وجود تمام محدودیت های که از ما بپیش از سوی خونتا برای فعالیت انتخاباتی این نیروها ایجا شده بود، از دستگیری و تبعید کاندیداهای انتخابات گرفته تا بستن روزنامه ها پیشان و ممنوع خواندن انتشارات و اوراق انتخاباتی از یکسو و از سوشی دیگر تهدیدهای که در سطح توده ای انجام میدادند اینان را از حمایت توده ها محروم کند، و نیز با توجه به تمسدد سازمانهای چپ بدست آوردن ۱۶ درصد آرا، خود موفقیتی چشمگیر بود.

نتایج انتخابات برای حاکمیت نظامی کا ملا "غیر منتظره بود. حکومت در آنچه قرار گرفته بود، چرا که بسیاری از نمایندگان منتخب چپ هنوز با در زندان بودند و با در تمسدد سرانجام دولت ناگزیر به آزاد کردن شان از زندانها و موافقت با بازگشتن از تبعید شد. اما روزنامه های چپ و مترقی هنوز در محاق توقیف بسر میبردند.

از مجلس مؤسسانی این چنین که نه به پشتوانه اراده خواست کارگران و رزمندگان، بلکه بر عکس متکی بر زمینیه های قانونی، آنهم قانون بورژوازی برپا شده بود، انتظار آن شمیرفت که گامی اساسی و استوار در راستای منافع توده های عظیم رزمکنش پرو بردارد. این مجلس حتی نمی توانست مؤسسان هم باشد. نبود. شوراهای انقلابی کارگران، دهقانان و سربازان بمثابه بدیلی انقلابی کا ملا بچشم می خورد. از قدرت دوگانه خبری نبود، و این هم از این واقعیت بر میخورد که عا شین دولتی بورژوازی دست نخورده به حیات فعال خویش ادا می نماید. ما شین دولتی بورژوازی خرد نشده بود. بهر رو، نمایندگان منتخب کارگران در مجلس نیز توانستند با یکا رگرفتسین بیشترین تلاش خود گامی در راستای تدوین قوانینی بنفع کارگران و رزمکنگان پرویی بردارند. ادامه دارد

### شناسایی سپهانی

۹/۱۵/۷۰ رودسر	۱۸۶	علی حسن زاده
"	۱۸۷	محمد علی کاره پور
۹/۱۹/۷۰ همدان	۱۸۸	فاطمه دادرش
۹/۱۶/۷۰ رشت	۱۸۹	محمد ولیدوست کولی مجاهدین
۹/۲۵/۷۰ سنندج	۱۹۰	محمد تقی معزی
"	۱۹۰	بنی مگرونی
"	۱۹۲	جمال بهمن پور
"	۱۹۳	محمد حاج حسینی
"	۱۹۴	جمال رحیم زاده قر
۹/۲۵/۷۰ رومیه	۱۹۵	ابراهیم ما بونجی
"	۱۹۶	خسرو صلاح زاده
"	۱۹۷	محمد قسیم سوزهای
"	۱۹۸	محمد کریمیان
"	۱۹۹	رضا نوا خواه
"	۲۰۰	علی قادرزاده
"	۲۰۱	حسین محمودی
"	۲۰۲	کریم اسلامی
"	۲۰۳	ابوبکر رحیمی
"	۲۰۴	عبید الرحمن پنا هنده
"	۲۰۵	پیوشی مها جری
"	۲۰۶	مصطفی اسماعیل زاده
"	۲۰۷	خلیل بلوری

### ارزیابی ذهنیت حاکم پرتودهها

۱- تصنیف جورعب و وحشت ؛  
 غول پوئالی رعب و وحشت در دوماه -  
 آبان و آذر و مخصوصاً در آذرماه به لرزه در میاید کینه و نفرت انباشته در قلب توده ها که تاکنون بیشتر از چشمان نشان شده می کشید و تنها در مباحث خا نوا دگسی و "امن بروز میافت بر لبان وحشی -  
 با زو نشان جاری میشود. حرکات نویسی در جنبش توده ای آغاز میگردد. در تداوم بحران حاکم جو خفقان و ترس روبه شکستن میرود و هر ترس و طوفانی از خلق به فراخور خصلت های طبقاتی، آگاهی و سطح مبارزاتی با اشکال گوناگون به مقابله با ضدا انقلاب بر میخیزد. میتوان گفت عقب نشینی - متوقف میشود و مقاومت در مقابل جبهه ضدا انقلاب در دستور قرار میگیرد. ایستادگی در مقابل مزدوران رژیم - که وجه تصنیف آن در مقابل مزدوران مسلح چون پاسداران و وجه قوی آن در مقابل مزدوران عسادی مثل انجمن اسلامی ها و جاسوسان است - به تدریج افزایش می یابد. تحریم همچنین عمومی ترین شکل مبارزه است اما بتدریج اعمال اراده، مستقیم توده ای در اشکالی چون کم کاری و اعتصاب در کارخانجات نطفه می بیند. کوتاه سخن اینک واقعه ایست مبارزات توده ها چشم انداز اعتلای نویسن و در هم شکستن خفقان و وحشت را نوید میدهد و بار دیگر این امر باه اشبات میرساند که هیچ تهدید و ارباب و هیچ سرکوب و دیکتاتور قیادریست به تنهایی توده ها را از عرصه مبارزاتی خارج سازد. ما در زیر بخشهای از گزارشات رفتار عینا "تفصیل می کنیم

بحران واقعا "عمیق تر شده و جورعب و وحشت هم دیگر اثر ندرت دارد. مردم قیده هم چیز رازده اند و به محض کوچکترین اعتما دسر بخشهای سیاسی را بازمی کنند - "در هفته سو و چهارم آبان مباحث با لگرفتن و - کارگران بک نوع تنها در محنتها نشان تشدید شده است. مدیران و انجمنی ها شدیداً ترسیده اند. او اسط آبان در یکی از کارخانه - ها دود فعه از ساعت ۴ به بعد تمام مدیران به دعوت انجمن اسلامی در کارخانه مانده اند و راجع به مسائل اخیر محنت کردند یکی از مسائل جلوگیری از ورود اعلامیه بوده است در این مورد تنگنایان را با زخواست نمودند - "کارگران دیگر ترس به رعب و وحشت نمیدهند و این در تمام حرکات تکارگران در ۲ ماهه اخیر دیده میشود. این خود ترس عمیقی را بر بدل کار فرما انداخته است. بخاطر این موضوع سالها پاکازی را کش میدهند. چون میدانند کارگران این دفعه ساکت نمی مانند. بقول یکی از کارگران اینها از ترس اینقدر مسالسه پاکازی را کش میدهند تا بالاخره خودشان پاکازی شوند. "در کارخانه بسیاری از بخشها مه های غذا رگری که شامل مقررات انضباطی است مورد رعایت - کارگران قرار نمی گیرند - "در یادگانها سرپا زها به ندرت در نماز شرکت می کنند، موقع سخنرانی ها اصلاً گوش نمی کنند و سخنرانی در می آورند. بتدریج مقابل افسرها و حزبی ها می ایستند و اعتراض می کنند - "در یک ماه اخیر جورعب و وحشت شکسته است. مردم صحبت می کنند، اغلب قبل از صحبت طرف مقابل را با نگاه محک

### سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

میزنند و بعد از اطمینان حرف میزنند. اخبار خیلی سریع بین مردم پخش میشود. اعتصاب در ایران ناسیونال روی روحیه مردم تا شورشیت گذارده است و خیلی سریع همه از آن باخبر شدند. مردم از شدت اختلافات و تا کمیت خیلی خوشحال شدند و اغلب منتظر بزرگتری های حادثه هستند -

به این مسائل با بدجوا کم بر مسداری و روستا ها را نیز افزود که اخبار آن مرتباً در نشریه درج شده است.

تحریم همچنان عمومی ترین شیوه مبارزاتی است. در بسیاری از مدارس - مراسم صبحگاهی و کلاسهای ایدئولوژیک بسیار خلوت است، مثلاً در دبیرستان آیت الله سمیعی محصلین در مراسم صبحگاه حاضر نمی شوند. کلاس های ایدئولوژیک همیشه خلوت است حتی مسئولین مجبور شده اند سر کلاس وصف بیوسته بگویند چرا - هاشن آوزان به کلاس ایدئولوژیک نمی آیند؟ چرا به مراسم توجه ندارند و چرا -

در محلی فالانژها فیلیسم سیمانی میا ورنده با وجود آرزای بودن - بلیط تنها ۲٪ آنهم بچه ها رفتند. "مقاومت در مقابل فعالیت های اجباری مثل نماز، حجاب، شرکت در سخنرانی و ... روبه تشدید است اکثرأ "شرکت نمی کنند" - اکثریست دهقانان شمال از فروش برنج به دولت خود - داری کرده اند حتی در چند مورد (دو - مورد آن به ما گزارش شده است) کتا و رزان که زیر فشار پاسداران قرار داشتند محمول را لیا نه خود را آتش میزدند تا به آنها ندهند اما فایده کردن یک تومان به قیمت خرید برنج از جانب دولت نیز سودی نداشت. کتا و روزی میگفت "من برنج خود را به دریا می ریزم اما به دولت نمی فروشم" بطور کلی تحریم فروش برنج به دولت فعلاً کمترین حرکت تحریمی در این مقطع بود.

هر چه به آخر این مقطع نزدیک میشویم حالت تنها جم و شهور در توده ها افزایش - می یابد و بالاخص ایستادگی آنها در مقابل مزدوران رژیم تدریجاً شکل میگیرد. بعد از اینکه فالانژی در مورد یکی از کارگران گزارش رد می کنند کارگران قسمت او متحداً خواستار انتقال وی به بخش دیگری میشوند در کارخانجات زامیا دکارگری به یکسی از انجمنی ها میگوید "من یک، تلمه یکدی برای نیاسام میخواهم" حزبی میگوید نمی توانیم بدهم" کارگری با عصانیت میگوید "تو غلط نمی کنی" مال ماست لاکه نمی تونی بدهی منتظر روزی باش که گوشت را بگیریم و بیرون است بیندازیم" انجمنی در حالی که کلا "سرخ شده بود دور میشود. در کلاس شبانه یک حزب الهی به کارگر مخلص میگوید "چسی میکی چوه کمونیست" کارگر مزبور فریاد میزند "اره کمونیست هستم چی میگی و آرام به دوستم می گویند" کمونیستها شرف دارند جا نشان را برای ما میدهند" و به حزب الهی میگوید تا راحتی بلند شو جای دیگر بنشین

هر چند کارگران در این مورد پشیمان هستند - و موارد آن متعدداست - اما این شکل برخورد در سایر اقشار نیز تکرار گرفته است. فردی که برای خرید تا کسی مورد استنطاق مذهبی قرار میگیرد، بعد از - اینکه از جواب در می ماند از حزب الهی می پرسد سوپاپ ما شین کما ستندین منزل چند شمع دارد" حزب الهی شدیداً "عصانی

میشود، همین فرد دوباره می پرسد "اگر در رکعت پنجم نماز شک کنی چکار می کنی" حزب الهی میگوید "استفانه" فرد مزبور میگوید تا مسلمون نماز که اصلاً رکعت پنجم ندارد" او را از اتاق بیرون میکنند اما وی مهرانه می ایستد و بالاخره موفسقی میشو تا کسی بگیرد. بیدریک محمل خطاب به او ترسیدتی میگوید "به شما چه مربوط شما میخواهید تربیت یا دجه" من بدهید یا او را جاسوس و ساواکی با ریبیا ورید، کور خوانده اید من هر روز به بچه ام میگویم شما چه جنا پیکارهای هشید" وقتی در یکی از گرابه های کرج بحث خد رژیم جا میشود در میان مسافران یک نفر طرفدار رژیم بوده است که به یکی از مسافرن میگوید "شما آلت دست منافقین نشوید" راننده ماشین را کنار رجا ده نگه میدارد و میگوید "فرمانید یا شین من حومه شنیدن" بحث شمارا تا کرج نذارم. اعصاب مرا خرد کردید، شما ره ما شین را هم دوست داشتی بردار شخص - مزبور با غر غریبه دا میشود. جوان نشان محل مشغول صحبت بود نگاه پاسداری داخل جمع آنها میشود و میگوید "نگفتی اینجاسا بحث نکنید، این دفعه شلاق میزنیم" جوانهای محل میزندند زیر خنده، یکی از آنها خطاب به پاسدار میگوید "فلانی اینقدر تند صحبت نکن، پس فردا اگر ورق برگردد نا حور میشود، جای خالی هم بگذارد" پاسدار با عصانیت محل را ترک می کند. بپیر مسرد بسجی که در میوه فروشی به اعتراض به قیمت کارتن را در میا وارد صاحب نماز ه یقه او را میگیرد و با گان دادن بدید میگوید "به من کارتن را نشان نده اگر گران است بگو میخری یا نمی خری فقط به من کارت نشان نده" در صف تخم مرغ وقتی کمیتچی ما مور نظم به یکی از زنهای شوین میکنند زن - میگوید "فکر کردی چون پاسدار شده ای - میتوانی هر چیزی که دلت خواست بگویی" و در مقابل تهدید پاسدار با خشم فریاد میزند "غلط میکنی تازه ببری کمیت چه چکار میخواهند بکنند، مگر میتوانند همه را بکشند" در صف مرغ در منطقه ای زحمتکش نشین تهران وقتی زنی خطاب به خانم دیگری که رژیم را افشا میکرد میگوید "شما خدا انقلاب هستی" همه زنهای در صف عصانی شده او را از صف بیرون می کنند و میگویند "حال که اینطور شد و همه ما خدا انقلاب هستیم هر غلطی که می خواهی بکن "در زاری از مدارس آمده" آبان ماه دو اعلامیه پخش کردیم بر دهن مدرسه خوب بود. دو کبرچه ها اعلامیه ها را قایم نمی کردند و جلو حزب الهی ها میخواندند. یک حزب الهی به یکی از بچه ها گفت "خوان، چیزی نیست که به عقل توست اضافه کند" دانش آموز گفت خوان دانش فرسرد ندارد" و بعد از آنکه حزب الهی اعلامیه را با ره کرد با خنده و مسخره بطرف دو بخش کسه اعلامیه دیگری داشت رفت و با او توه شروع به خواندن کرد. در کارخانه ای پس از پخش اعلامیه کارگران پیشرو، کارگر متوسط - اعلامیه را در جمعه اعلانات انجمن اسلامی نصب کردند تا می کارگران جمع شده - آنرا خوانندند.

برجسته ترین مشخصه این مقطع شکل گیری حرکات جمعی مبارزاتی توده ها است که عمدتاً با خواستهای اقتصادی شروع میشود و در مواردی در تداوم خود به طرح - کوتاه مدت خواستهای سیاسی رسیده است. کیفیت و کمیت این حرکات در طبقات و

## مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



### ارزیابی ذهنیت حاکم پرتودهها

نصفه از صفحه ۱۱

اقترا مختلف کا ملا" متفاوت است .  
 پرولتاریا از لحاظ انسجام یا فکری ، پی گیری و تدابیر و حرکات آشکار از همه جلوتر می باشد . اما بهر صورت خود انگیختگی و عدم حضور فعال پیشرودر این حرکات مشترک است . مانعونه های متعددی از این حرکات را در دومین قسمت از سری مقالات " بررسی اشکال مقاومت و مبارزه توده ها " برگزیدیم و از آنجا که این خودداری می کنیم ، تنها به ذکر چند مورد دیگر که نسبت به نمونه های مذکور در سطح پایین تری قرار دارند اشاره می کنیم .  
 در شرکتی که کارگران و کارمندان به سه صورت یکپارچه از به دیوار زدن متنی توسط انجمن اسلامی جلوگیری بعمل آورده اند . مضمون این متن چنین بود " مردان اگر به بدن زنها نگاه کنند حرام است " ارساله خمینی - تمام کارگران و کارمندان آشکارا سخره میکردند . در موردی که حقوق یک روز کارگران را بدون اطلاع آنها به تفریح جنگزدگان کم کرده بودند همه به اعتراض برخاستند و مصرا تا به اعتراض خود ایستادگی کردند . کارگران و کارمندان و عده که به افراد ناراضی پولتشان برگردانده میشود آرام شدند . در کارخانه ای کارگران بسیاری با زداشتی ها و با سواده عدا می ها کمک مالی جمع آوری کردند که همکاری اکثریت کارگران ضعیفتر بود . در اتوبوسی بعد از بالا رفتن ، تحت یک حزب الهی میکوبید " سلامتی ما مصلوات بفرستید " بجز خودش و چند نفر دیگر هیچکس مصلوات نمی فرستد . بجز زنی که مخالف رژیم فاشگری میکوبد فوراً میکوبید " سلامتی خودتان و جوانانها مصلوات بفرستید " اتوبوس یکمدا مصلوات می فرستد .

در وجه دیگری با بدگفت که اعتراضات و بحثهای سیاسی از محافل خانوادگی و جمعهای مورد اطمینان تقریباً به معنای عمومی کشانده شده و روز بروز تیز سیاسی تر میشود . اما در حتم شده ها اگر چه تا مسی رژیم را در بر میگرداند اما آنجا که بحث به خمینی میرسد هنوز سکوت یا تفسیر بحث بوضوح دیده میشود . با جدا کشردن - مورد شیوه بیان دقت بیشتری میشود . بروز حتم مردم نسبت به خمینی هنوز در مقام خمومی یا عمومی بسته تر به محمور است .  
 موارد علنی دیده شده عمومیت ندارد و محدود می باشد . در بحثهای علنی کارگران ، اقترا تهیست خرده بورژوازی ، دانش - آموزان و روشنفکران انقلابی پیشتا زدن اما کارمندان با لایحه اقترا بلاتنی آنها با احتیاط بسیار برخورد می کنند . با این بدگفت در تمام بحثها شیوه بیان یا ارزیابی محیط و اطرافیان تعیین میشود و توده ها در این مورد تجارت گرانهای را به نمایش نمی دهند .  
 در گزارشی در آبان ماه آمده است " اعتراضات - ها از حالت تنق زدن به بحثهای اصولی تغییر جهت داده است . مقدار ارزیابی از - ترس کارگران کاهش شده است . بر مسائل گوناگون به بحث می پردازند ولی این بحثها هنوز با احتیاط همراه است " تا اواسط آن نیز هنوز سرخوردنها شدیداً محتاطانه است ۸/۱۵ در جمع یک کارمند ضمن اعتراض به وضع موجود رژیم را به دشنام میکوبد . سه نفر دیگر که زحمتکش بودند حرف نمی زدند و با شنیدن فحشها خوشحال میشوند " یا پسر جوانی که شدیداً حاکمیت را محکوم کرده و افشاگری برداشت این آزان همه مسافریین خاموش شدند ، به نظر میرسید دیگران را نوبتی ترس

فرار گرفته ..... میتوان گفت معمولاً - افرادی که بدون مقدمه و خیلی بی پروا به رژیم میتازند مردم حزب الهی می شمارند . در یک کارخانه در جلوه شورای فرما پیشی یکی از نمایندگان فرما پیشی از کارگران پرسید آیا شما برای حل مساله ممکن خانه های واقع در میدان آزادی پیشنهادی دارید یکی از کارگران با صدای بلند گفت " آره ما دره پیشنهادی دماست " همه در میان کارگران بالا گرفت " در تا کسی را شنیده به خام خرده بورژوازی میانه که به پاسداران فحش میداد گفت " بطور جرات می کنی حرف بزنی تو را می برم کمیته ها " زن گفت " بفر من هیچ ترسی ندارم مگر خون من رنگینتر از بقیه است " راننده گفت " حال من اینست که مرا نمی کنم خاشمی که بغل شما نشسته چسی خاشمی بغل دستی که جا درسیا می داشت با عصا نیت گفت " چرا تو همین می کنی مگر من جا سوم " در روستائی از توابع طالقان روی در منزل یک روستائی نوشته بودند " مرگ بر خمینی فردی از صاحب منزل - پرسید " میدانی چی نوشته اند " روستائی بپرز خمتکش بلندگفت " بله که میدانم رحمت به شیر آنکس که نوشته گورید را پس پدر سوخته های خونخوار " راننده اتوبوس مسافربری در جواب اعتراضی دونفر که " چرا برای نماز نیکه نداشتی " خطاب به مسافریین گفت " قبلاً " همان را بزمین می کشیدند تا مردم را فریب بدهند مادر - این شرایط شما میخواهید زمین را به آسمان ببرید ، با از ۴۰ مسافر ۲۸ نفر نمی خواهند زور که نیست " قصای در حال پیچیدن گوشه در عکس بهشتی میگفت " دیگر محبور نیستیم که غنیمت شوی عکس آقایان گوشت می پیچیم ، از این رژیم عکس - های مفت و معانی به ما رسیده است " اما از نیمه آبان به جلوه جریب و وحشت بیشتر تضعیف میشود و دیگر حتی حمله های مذبحها در رژیم نیز تا شیری ندارد . در مورد مذب گذارای هائی چون فروشگاه قدسی و راه آهن جمیندی نظر توده ها را میتوان از زبان یک زن کارگر شنید که میگفت " این مذب کارها حدین نیست همین حزب الهی ها میگذا رند بعد میکوبند گروه های ضد انقلاب گذاشته اند . شما که همه را می گردید پس کی بمبارا می گذارند ، شاه هم این آخری ها بانگ ها را آتش میزد و میگفت کار ملت است " مرد جوانی زحمتکش در اتوبوس با زبان ترکی و بلند بلند خطاب به کسی که پرسیده بود " ضد انقلاب کیه " میگفت " معلومه ضد انقلاب که شاخ و دم ندارد آنها می هستند که جوانها را میکشند و گردستان را به آتش می کشند " او موقع پیا ده شدن بلند خطاب به مسافریین گفت " گوریدر پدر هر چه ضد انقلاب است " کارگر خیاط خطاب به جوانی که در جمع صحبت میکرد میگفت " تو مواظب خودت باش مرا که می بینی دیگر به اینجا مرسیده هیچ ترسی ندارم فو قش اعدام می کنند از این که بیشتر نیست " چنین نمونه هائی - بسیار است و علت بروز و رشد آنها را میتوان به سادگی از زبان یک راننده تاکسی شنید که میگفت میدانید علتش چیست ؟ علتش فشار زندگی است . مردم وقتی می بینند - گوشت نیست ، برنج نیست و همه چیز گران است به خودشان میکوبند مرگ از این زندگی بهتر است دیگر از چه چیز ترسند ؟ " در این رابطه کارگران در بحثها پیشتا زدن و اقترا خرده بورژوازی با لایحه بخش میانیه هنوز محتاطانه برخورد می کنند و " دول " هستند .  
 پدیده ای که در انتهای این بخش با بدگفت به آن پرداخت و باید دقیقاً " مورد توجه باشد عدم حضور فعال پیشرودر حرکات مردم

نصفه در صفحه ۱۲

### رژیم جمهوری اسلامی

نصفه از صفحه ۸

نیروهای مترقی و ... کلاً تثبیت رژیم بود .  
 حال ، با این وجود ، زویز یونیتها همچنان قریباً می کشند " ج و د " را اجرا کنند و همان را با بطریقی انقلابی آنچنان که شورای انقلاب مقرر کرده از قید و بندها برهانند . آنها برای کنجاندن قانون فرم میستی و مصلحت گرایانه شورای - انقلاب ، در پوست شیر ، نه تنها ما هیت آنرا از دیده توده ها پنهان میدارند ، بلکه با چشم پوشی فرست طلبانه از تفسیرهای بندهج و د که جز " لایتجزای این دو بند است آنرا میتوان قانونی انقلابی بخورد - " خلق الله " می دهند ، آنها برای قریبانی کردن توده ها در پیشگاه حاکمیت از هیچ کوشی فروگذار نمی کنند ، و همچنین که برای " انقلابی کردن " قانون اصلاحات ارضی بقلب و افعیات و مسائوری پردازند . آنها نقل قولهای متعدد و عموماً مغربانه اما ماثان را در باره ، حقوق " رعایا " بزرگ نویسی کرده و آنرا در بوق و کونسا جار می زنند ، ولی فراموش می کنند ( یعنی ما نسوری می کنند ) که حتی برای یکبار عملکرد و نیات اصلی سران حکومت و از جمله امامان را بازگو کنند . سهواً ( ! ) از ظلم می فتنکند اما ماثان گفته است مملکت اسلامی است ، مالکیت را بر مسیت می شناسد ..... در مورد زمینها گفته بودند که می خواهند زمین ها را از مردم بگیرند و حلال آنکه در مورد زمین موات که هیچکس در آن زمین کاری نکرده است صحبت درست بود . کسی چه میداند ، شاید همین سهواً لطمه ها و فراموشی ها برای شکستن " دکمه های حاکمیت باشد ! " ولی چه حیف که این حاکمیت قدر حیات شان در روزی ایشان را نشناخته و از روی نا - سیاسی طی اطلاعاتی از طرف تعداد مرکزی و گذارای زمین از ایشان بمنظون " جریاناتی رسوا " که در کوی و بسوزن شروع به تبلیغات بی هویت نموده یا در کرده است ، در جمهوری اسلامی حتی خوشرفی هم جرم است !  
 بهر حال ، از یک طرف این رژیم توانائی و خواست اجرای اصلاحات - ارضی ، حتی در همان محدودت قانون فرم میستی شورای انقلاب را ندارد ، این دیگر از بدیهیات است . و این امر نیز با بدگفت کنونی بر اساس تجربه چند سال اخیر روشن شده باشد که رژیم زمانی تن به عقب نشینی می دهد که تحت فشار جنبش های توده ای و دهقانی قرار گرفته باشد و این نیز به ثبات رسیده است که وقتی فشار بر طرف شدویا کاهش یافت ، رژیم همان ساز قبلی را میزند و کلیه تمهیدات خود را زیر پا می گذارد . از طرف دیگر ، قانون اصلاحات ارضی ( از جمله بند چ و د آن ) نمی تواند بدین سخوی مطالبات تاریخی و نویین دهقانان باشد . این را دهقانان انقلابی خود ، پس از قیام ، در عرصه کارزار واقعی بعینه نشان داده اند که چه می خواهند و چگونه می خواهند بنا بر این ، در این مرحله از انقلاب و با توجه به دست آوردهای جنبش های انقلابی دهقانی ، با سخوی سه سه ساله ارضی و دهقانی از طریق " اصلاحات ارضی " دموکراتیک و ما دره " انقلابی زمین و کلیه وسایل تولید میندان را بزرگ و واگذارای آنها به دهقانان از طریق - شورا های دهقانی و لنینو کلیه دیون - دهقانان به بانگها ، زمینداران و ورسا - خواران " مبراست .

# ابعاد نوینی از جنایات رژیم جمهوری اسلامی

## سخنی کوتاه با اقلیت‌های مذهبی

بقیه از صفحه ۱

ایلامی را چون دیگر اقشار و طبقات غلظت متحمل شوند، نه تنها با بدبختی روز افزون، بیگاریها نمان برانداز، جنگ ارتجاعی، کمبود مواد اولیه مورد نیاز، بی مسکنی و صدها سختی دیگر با بردوش کشند، نه تنها با بدچون دیگر کارگران کشتار شوند، نه تنها با بدچون شما از حتمتکشان استعمار و غارت شوند، بلکه ستم و سرکوبی جداگانه‌ای نیز بر آنان اعمال میشود. ستمی تنها به خاطر شیعیه نبودن، ستمی تنها به این علت که مذهب حکا مدزغیم را ندارند.

ما بارها در این مورد سخن گفته‌ایم. گفته‌ایم که چگونه رژیم اقلیت‌های مذهبی را شهروندان درجه دوم و هموطنان بیگانه با ما می‌داند. گفته‌ایم که چگونه انسان را "نجس" محسوب می‌کند و حتی در برخی موارد از ورودشان به منازل و محله‌های عمومی جلوگیری می‌کند. گفته‌ایم که چگونه از استخدام آنان در بسیاری موارد جلوگیری میکند، حق تحصیل مساوی آنان را زیر پا می‌نهد. گفته‌ایم که چگونه آنان از سوی مرتجعین مورد آزار قرار می‌گیرند و حتی حق برگزاری آزاد مراسم مذهبی خود را نیز در بسیاری موارد ندارند. گفته‌ایم که چگونه رژیم حق تحصیل به زبان مادری را نیز از دست آنها برده و آنان را سلب کند و چگونه تمام حقوق انسانی آنان را زیر پا نهاده است.

آخرین حرکت سرکوبگرانه رژیم در رابطه با اقلیت‌های مذهبی سلب حق تحصیل به زبان ارمنی در مدارس آرمنا و همچنین سلب حق جلوگیری از وجود مدارس اقلیت‌های مذهبی بود که اتحاد و مبارزه توده‌های زحمتکش این اقلیت‌ها و خاصه مبارزه زحمتکشان مسیحی در این مورد بسیار به عقب نشینی شد. اما این یک زخم خورده در مقابل این عقب نشینی دیگر حرکات ضد انسانی خود را شدیدتر نموده است.

رژیم جمهوری اسلامی که انسانها را تنها برده، سرما به میخواد، و زنان را چون کالای بی ارزش، و با ابزاری جهت ارضای حیوانی ترین امیال می‌نگارد این یک دست به اعمالی میزند که به جرات میتوان گفت تنها در قدرت امام "مزدوران" است و سبب در شریک‌ها نیست برای چندمین بار دختری زحمتی توسط فالانژهای حکومتی ربوده شده و بی‌زور - به اطلاع پس از اسلام آوردن - به عقد مزدوری از مزدوران سرما به درآمده است. این تجاوز به عنف آشکار که برای چندمین بار در شهر بزد صورت می‌گیرد زیر نظر مستقیم آیت الله مرتجع مدوقی نماینده امام و "امام جمعه" استان انجام میشود. ما خرابدین قرار است که دختران زحمتی در راه مدرسه، در راه خرید، و یا از خانه دوستانشان بی‌زور ربوده میشوند و خانه مدوقی مزدور برده میشوند.

از این بی‌احوال آنان اطلاعی بدست نمی‌آید و تمامی ارگانهای دولتی نیز از بی‌گیری ما جراسا بی‌می‌زنند. پس از مدتی روشن می‌گردد که دختر "به عقد شرعی" با سزا، کمیته‌چوبی مزدور دیگری درآمده است و حق ملاقات با خانواده خود را نیز ندارد. در آخرین مورد پس از بی‌گیری های فراوان از سوی خانواده دختر

از سوی مقامات مسئول به آنان گفته میشود در خانه بمانید دخترتان به شما تلفن می‌زند و میگوید که از سر و غم و میل سلیمان شده است. پس از مدتی دختر تلفن می‌زند. ابتدا با التماس میگوید "مرا نجات دهید" اما پس از "ارشاد از پشت تلفن" که توسط کتک و ضرب و شتم صورت می‌گیرد می‌گوید "من با رضایت خودم آمده‌ام" و تلفن قطع میشود.

بهر روز تکرار این اعمال ضد بشری زحمتکشان را بشدت به خشم آورده است چنانچه در جلسات پرشوری این اعمال را بشدت تقبیح و محکوم کردند و خواستار انجام اقدامات عاجل و شدیدی در این مورد شدند. از همین رو لازم دیدیم در سخنی کوتاه با زحمتکشان اقلیت‌های مذهبی، رهنمودهایی به نیروهای انقلابی و پیشرو آنان بدهیم تا در رابطه با پیشبرد مبارزات این بخش از توده‌های تحت ستم آزارگار بگیرند.

مورثه‌های حرکت ما رشتگان است که در توده‌ها و متشکل نمودن آنان در راستای تداوم بخشیدن به انقلاب و به قطعیت رسانیدن آن است. روشن است که این اعمال تنها در کوران مبارزه طبقاتی است که تکمیل می‌گردد، تنها سخن بر سر اینست که چگونه و به چه طریق باید این مساله را به پیش برد. ما در اینجا جهت هر چه مشخص تر بودن رهنمودها و تحلیلها، ابتدا رهنمودها را در رابطه با اقلیت مذهبی زحمتی بخصوص در مورد مساله مشخص موجود ارائه میدهم و آنگاه از میان این سخنان خطوط کلی رهنمودهای عمل برای حرکت نیروهای انقلابی در میان اقلیت‌های مذهبی را مشخص می‌کنیم.

انجمن فدائیان زردشتیان (تهران) که در ابتدای شکل گیری خود با حرکتی انقلابی، با اتکاء به توده‌های زردشتی و بیرویه‌ها - های انجمن ارتجاعی قلبی دیدار کرده است نیروی است که در شرایط کنونی مردم زردشتی اکثریت آنها نمایندند خود میدانند. این انجمن دارای ترکیب و سیاستی بیگانه با اقلیت است که با وجود سرخ و نیروهای دمکرات و انقلابی در آن کاملاً قابلیت را دیگالیزه شدن و همراهی با حرکات توده‌ها را داراست. از این رو باید دید جهت هر چه را دیگالیزه تر کردن این انجمن و پیشبرد سیاست انقلابی در آن چه باید کرد؟

۱- نیروهای انقلابی باید در جلسات علنی انجمن شرکت نمایند و در آنجا - خواسته‌های توده‌ها و راه‌های انقلابی عمل مشکلات را طرح کنند. این حرکت با عصب تقویت نیروهای دمکرات و انقلابی انجمن و را دیگال تر شدن آنان می‌گردد.

۲- نیروهای مترقی انجمن باید به ارشادات تنگ تنگ شریک توده‌ها برقرار کنند. باید مسائل را از طرق مختلف و کاملاً متنوع از طریق شرکت در اجتماعات مردم از طریق نشریات، اعلامیه، نوشتجات دیواری (با امضاء و بصورت کاملاً علنی) با مردم زحمتکش در میان بگذارند و از این طریق پشتیبانی آنان را جلب نمایند و

بکوشند مرتجعین را منزوی و طرد کنند.

۳- نیروهای انقلابی چه در درون چه در بیرون انجمن باید تمامی توان خود را بکار گیرند تا انجمن بشکلی مرتعی (مهاجرت یا یکماهه و ششم یکبار) جلسات عمومی و همگانی برقرار نماید. باید توده‌ها را وسیعاً در رابطه با شرکت فعال در این جلسات تبلیغ نمود.

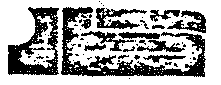
۴- این جلسات باید به سرری سیلان کارکنان و انجمنی خواسته‌های توده‌ها در رابطه با تمامی مسائل اختصاصی باشد. در این جلسات باید نیروهای ارتجاعی انجمن افشا گردند و از این طریق در میان توده‌ها منزوی شوند.

۵- در مورد این مساله مشخص باید کوشید تا انجمن را وادار ساخت تا بر حرکت اعتراضی توده‌ها صحنه بدهد و آنرا در جهت احقاق حق و تکرار با اشکال تعرضی و در شکلی انقلابی از جمله راه هیماشی، تحمن و ... به پیش برد.

\*\*\* میتوان در کل نتیجه گرفت که مساله انقلابیون و نیروهای مترقی در میان اقلیت‌های مذهبی باید در زمین تشکیل و رشد سازمانها، انجمنها و کانونهای توده‌ای و مترقی، نیروی کافی در رابطه با مقابله با تشکیلاتی بیگانه با اقلیت و حتی زردک - بخصوص توهمن توده‌ها را بخود جلب نموده‌اند. بنهنگند و از این طریق در زمین کوشش را دیگالیزه تر کردن حرکت این تشکیلات آگاهی را به میان توده‌های زحمتکش برسانند. باید در زمین بهره‌گیری از مبارزات قانونی، مبارزات توده‌های اقلیت‌های مذهبی را به مبارزات انقلابی ارتقاء داد. هر چند وسیعترین توده‌های این مذهب کوچکترین توهمن نسبت به رژیم جمهوری اسلامی ندارند. ولی این به معنای درک لزوم مبارزه انقلابی بر ضد این رژیم نیست. از این رو باید در عمل و در تجربه به آنان در همانا که سرکوب انسان و پایمال حقوقشان نه بدست یک پاسدار، یک کمیته‌چوبی، یک شهردار، نه بدست معاون آموزش و پرورش، نه بدست مدوقی و دیگر مرتجعین چون او، بلکه بدست رژیم جمهوری اسلامی است. باید به آنان آموخت که باید در جهت سرنگونی این رژیم مبارزه کرد. مبارزه با این مظالم از مبارزه انقلابی با رژیم جدا نیست، باید به آنان آشنائی - های انقلابی را شناساند.

در این مبارزه مثلاً "انجمن زردشتیان نامه نگاری به سران رژیم را بیگانه می‌کند" و با نفوذ خود هر چند به سختی اما به صورت مردم‌دار دنبال خود می‌کشاند. باید از طریق این حرکت را افشا کرد و راه حل انقلابی را ارائه داد. با بیروشنی کرد که رژیم در مقابل نامه عقب نمی‌نشیند این شکل و مساله ماست که او را عقب می‌نشانند. او از طرف دیگر با بدبختی از انجام این تجربه و شکست آن - یعنی گرفتن جوابی سربالا از رژیم، آنرا الگو نمود و در حرکات بعدی با استناد به آن مقابل شیوه‌های رفتمستی ایستاد. این رهنمودی است جهت تمامی انقلابیون و نیروهای مترقی، نباید از این بقیه در صفحه ۱۵

# هر چه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی



### نقد و بررسی یک گزارش

ما با رها بر اهمیت امر گزارندهی و نقش آن در تعیین تاکتیکها و تحلیلهای سازمانی پای فترده ایم و بهر توجیه بیست از پیش و رفاقیه این امرناکیده کرده ایم گفتم که رفقای گزارندگان به خردی نیستی را که یک فرد عادی قادر به دیدن آن نیست مریان کنند و در گزارشات خود متکلیس نمایند. رفقای گزارندگان باید بگویند که به استقبال رویدادهای برونشهری و منطقه ای گزارش گزارش وجه در آننگاه نیستند و واقعی شده ها از سطح به عینی توجه کنند و تمامی این جزئیات را به درستی با زبات نمایند. در همین راستاست که از این پس هر چند مدت یک بار گزارشی را بر میگزینیم و با توجه به رهنمودهای داده شده در مقالات ارگان سازمانی (بخصوص در شماره های ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰) مورد نقد و بررسی قرار میدهم. از تمامی رفاقیان نیز میخواهم چنانچه پیشینها در جهت ارتقا سیستم گزارندهی در تشکیلات دارنده با نواقصی در کار ما مشاهده می کنند تکلیف به تحریریه کار را سال دارند.

در اینجا گزارشی را که یکی از رفاقا از کرج برای ما ارسال داشته عیناً منعکس میکنیم:

کرج - یکشنبه ششم آذرماه سه بعد از ظهر، صفت نفت

طنی نسبتاً طولانی بود، با وجودیکه عده ای با ظرفهای نفت از ساعت دوازده ایستاده بودند، اما از نفت فروش چیزی نبود. عده ای میگفتند نفت نیست و ساعت نه شب گذشته نفت تمام شده ولی شماره دادند که امروز بیجا شام و نفت بگیریم - امروز هم که تنبأ میدند.

زنی زحمتکش که دستهای پینه بسته ای داشت میگفت "برای سی لیتر نفت دوزخ است از خانه وزن زندگی افتاده ام، بچه هایم را ول کرده ام و تنوی این صفا میسرم، چقدر ما ملت بدبخت هستیم زن خانه دار دیگری که سرو وضع نسبتاً مرتبی داشت با عصا نیت گفت "این حاجی (منظور ... فرزند و نفت بود) نفت را بین قوم و خویش و دوستان و اعضای شور تقسیم میکنند تقصیر خودمان است که بهشان چیزی نمیگوئیم و گردنمان را کج می کنیم! - مردی با ته ریش احتمالاً مفازده را رسود داستانی را از ریش شورای محلی تعریف میکرد و میگفت (من حاجی را می شناسم یکی از آهن فروشهای معروف زمان طاغوت است، زمان شاه خودش را در دستا خیز جا کرده بود و آهن را دولایه می فروخت و از این راه میلیونر شد، حالا هم خودش را به شورای محلی چسبانده تا شورش را حفظ کند" این مرد مدعی بود که خودش از آهن خریده و سرش گلاسه رفته است، مرد جوان کارگری ادعا میکرد که از ساعت شش صبح که بیسترون آمده، تا ساعت سه نتوانسته حتی تا هزار بخورد زیرا به محض رسیدن بخانه محصور بوده است بیاید رفته با بستند، بعدا دامه میداد که "حرف بزنی می برودت کمینه که فدائی نقلی، آخرین سی لیتر نفت را در مدت یکماه چکار کنیم، معلوم هم نیست وضع کی درست میشود، حالا هم میگویند جنگ، جنگ... در همین گیرودار جوان بلندقد و لاغری که چشمان لوج داشت و معتاد به نظر میرسید از راه رسید، آنهاشی که از دیروز شماره داشتند او را می شناسند جلوی ران گرفتند و درش حلقه زدند، با پر... حاجی و عصا نیت هر کسی چیزی میگفت، جوان معتاد ابتدا گفت که نفت از دیدن نرسیده است و بعد که چشم مردم را دید برگرد خورد که ما صاحب شمشه نفت نیستی نداریم و فقط دیروز برایش کار میکرده است اما میداند که این حاجی به کمک شورای محلی

از ساعت نه شب به مدد نفت ها را به افراد بخصومی می فروشند، بعد هم خود کرا از طبقه مخاوم غار ج کرد و رفت، مردم ما بوش یکی یکی با غرولند رفتند. روی دیوار نزد یک شبه نفت شماری از زمان شاه با خط درشت قوی تر بجای مانده بود، کمیونکت و ... بیشتر، دستور شاه خا شق

گزارش فوقی جدا از نظر شیوه نگارش و تنظیم و جفا و نظرسنجی گزارندهی موفق است. هر چند کاستی هایی نیز دارد که به آن اشاره خواهیم کرد.

رفیق در گزارش و تنظیم گزارش تقریباً تمامی رهنمودهای داده شده را رعایت کرده است، گزارش بر کاغذی نازک که بر یک طرف آن به صورتی خوش خط و خوانا نوشته شده است تنظیم شده، اعراف کاغذ حدوداً سانی متر سفید باقی نهاده شده، بروی هم با زتاب نظم و وقت رفیق گزارشگر می باشد.

از نظر شیوه گزارندهی، در شروع گزارش تاریخ، محل (کرج، صفت نفت) و در ... با اعراف اول تعداد نسبی، شکل تجمع وضعیت و علت تجمع، بی تکلی مختصراً مسأله کامل آورده شده است. این امر خواننده گزارش را بخوبی در محیط قرار میدهد و او را یاری میکند که از همان ابتدا مسأله وضعیت افراد صحبت کننده و محور سخنان آنان آشنا شود. البته ضروری بوده که علی - الاکان وضعیت طبقاتی جمع (دوره عالی) محل یا منطقه ای که صف در آن قرار دارد، وضعیت سنی افراد و همچنین جنسیت آنان بتکلی نسبی. در همان بار اعراف اول آورده شود مثلاً "گروه اول این منطقه از کرج است که عموماً کارگر ریشین می باشد" یا "اغلب افراد زنان خانه دار بودند" و همچنین "اکثر کسانی که در صف بودند - زنان میان سال خانه دار بودند" نکته به بر حومه گزارش توجه رفیق گزارشگر به پایگاه طبقاتی افراد تقریباً "حالات بیان آنهاست. زنی زحمتکش که دستهای پینه بسته داشت "اولاً" پایگاه طبقاتی زن را مشخص کرده، دوماً "علت تشخیص خود را خیلی کوتاه بیان داشته است یا "مرد - جوان کارگری... یا "مردی با ته ریش (احتمالاً مفازده را رسود)... که در اینجا از آنجائی که به تشخیص خود اطمینان نداشته، با واژه احتمالاً و در برانتر استرا ذکر کرده است. این خط درستی گزارش به چشم می خورد و حاکی از برخوردی دقیق است و رفیق در گزارش اصلاً حاشیه روی نکرده است و در عین حال در میان گزارش خودش اظهار نظر ننموده. البته این امر مثبت نا قی این مسئله نیست که گزارشگر در انتهای گزارش، نظر خود را منعکس کند بخصوص که رفیق در طول یک هفته چند گزارش ارسال داشته و میتواند به توجیه کل گزارشات خود در انتهای آخرین آن نظر خود را نیز منعکس نماید.

زن خانه دار دیگری... با عصا نیت گفت "با برخاش و عصا نیت هر کسی چیزی میگفت"، مردم ما بوش یکی یکی با غرولند رفتند" سوار دست که حالات افراد مورد توجه قرار گرفته و به بیان خشک و مکا نیکی، زن خانه دار میگفت "قناعت نشده است اما این مواز در تمامی گزارش عموماً نداد و به شکل کامل و دقیق رعایت نشده است. نکته مثبت دیگر در این گزارش آوردن صحبت های مردم بصورت نقل قول مستقیم و بدون تغییر و تنظیم است. این مسأله ای است که ما برای بسیاراً رعایت کنیم. از وقتیکه برای

ما بصورتی بسیار کلی نظرات مردم را خلاصه می کنند و به جملاتی شبیه "خانم خانه داری به عصا نیت فحش میداد"، "کارمندی... در موزه چا سوسها بدو پیراه میگفت و... - بسته میکنند که مسلماً بسیار ناگوار است اما از سوی دیگر نیز نباید صحبت های غیر - محوری مردم را کاملاً لایق کم و کاست منعکس کرد، مثلاً در سخنان دوفرد در تاکسی ممکن است مقدار بسیاری از سرمای هوا، برف آمدن و اینکه در همان هوا سردتر است و... نیز وجود داشته باشد اما تنها به اشتکاف سخنانی که ذهنیات بوده ها را در رابطه با مسائل اجتماعی بیان میکنند میپردازیم. در همین گزارش بخشی از صحبت های مفازده را که ارتباط سرمایه داران با رژیم را مریانند بصورت نقل قول مستقیم آورده شده است اما بخشی دیگر که از مسائل فردی مفازده را در رابطه با خریده آهن و... است خیلی خلاصه و کلی با نقل قول غیر مستقیم آورده شده است. در همین رابطه یکی از نقایب گزارش اینست که مخاطبین سخنان و همچنین سن صدا (بلندی و کوتاهی آنرا) مشخص نمی کند مثلاً "روشن است آیا خانم خانه دار یا سبب کارمچ جوان خطاب به جمع اطرافشان صحبت کرده اند یا خطاب به یک نفر که در کنارشان است، آیا صدایشان بلند بوده و تمامی اطرافیان می شنیده اند یا کوتاه و زمزمه گونه... ذکر این مسائل در بررسی شکل بروز اعتراضات مردم نقش مؤثری دارد. کمبود دیگر گزارش اشکاس محسوس نظرات افراد است در مقابل صحبت هرفرد با بدواکتش های اطرافیان را نیز هر چند مختصر منعکس نمود. مثلاً داستانی که مفازده را از حاجی تعریف می کند بطور حتم واکتش هائی را در کسائی که گوش میدادند برانگیخته است یا وقتی زن خانه دار... میگوید "تقصیر خودمان است که بهشان چیزی نمیگوئیم و گردنمان را کج می کنیم" باید مشخص شود مخاطبین او چه عکس العملی نشان داده اند، چه گفته اند یا شاید حرف او را تا شنیده اند یا... بررسی این حالات علاوه بر ذهنیت گوینده، ذهنیات اطرافیان را نیز مشخص میکند.

اما با زترشیر کمیود گزارش که در وهله اول به چشم می خورد نقش فوق العاده منفعل رفیق گزارش گرد در بحث است، با وجودیکه زمینه بسیار مساعدی برای جهت دادن بحثها و طرح ایده های انقلابی بوجود می آید اما رفیق هیچ جارکتی نکرده است چنان است که اصلاً "عصا کاهی در جمع حضور ندارد... به حاجی شوری فرمایشی شده که زمینه بسیار مناسبی برای طرح شوری انقلابیست در حاجی مسئول توزیع میگوید "حاجی بکمک شوری محلی از ساعت نه شب به بعد نفت ها را به افراد بخصومی می فروشند" رفیق میتواند شوری "حرکتی مناسب را شکل دهد و مردم را ترغیب کند که از ساعت ۹ به بعد مراقب باشند و سرزننگاه با خبر کردن دیگران مع حاجی شوری فرمایشی را بگیرند. یا توجه به بار فایتی شدید مردم حتی امکان شکل دادن یک "عمل مستقیم" بوده ای نیز وجود داشته است. رفیق با اشاره به شمار روی دیوار با ظرافت مناسبی گزارش را به انتهای مریانند که ناشی از دقت و صفتی است اما اگر توجه مردم نیز به این شعار جلب میشد نه تنها خود مسأله ای افشاگرانه بود بلکه بحث را نیز دامن میزد.

نقد و بررسی این گزارش را با این امید به پایان میرسانیم که این نقد منتهی گردد جهت تهیه گزارشات که ملغز و دقیقتر تا بتوانیم گزارشات نمونه، بیشتر سری را از رفاقا در تشریح درج نماییم.



# اتحاد توده‌ای از حانات

بقیه از صفحه ۱۳

مسئله که توده‌های این مذاهب نسبت به رژیم توممی ندارند این نتیجه گرفت که اما دنگی کامل جهت مبارزه انقلابی بنا رژیم دارند. این تحلیل غلط. ما را به چه روی و اراده تا کتیکهای دجا رمیکند که تنها منزوی شدن را در پی دارد. باید با صبر تمام لزوم مبارزه انقلابی و احیای تنگاتنگ این مبارزه با احقاقی حقوقی اقلیتها را توضیح داد و توده‌ها را در تعاریب عملی و روزمره‌ای آن واقف نمود.

مهمترین مسأله را میتوان در لزوم وحدت و تنگ و انعام حرکات عملی در این جهت خلاصه کرد. در دو وجه این مسأله را بررسی می‌کنیم:

- ۱- باید گوشید و بیشترین توده‌های زحمتکش اقلیت‌های مذهبی را در تشکیلهای سازمان زمان داد. در این رابطه اشکال متنوعی را میتوان در خدمت گرفت از اشکال ابتدائی چون کلاسهای خیاطی و فوق درسی، بیگ‌تیک، کوه، ورزش و... تا اشکالی چون کاشون‌ها، انجمن‌های فرهنگی، سازمانهای جوانان و... مهم اینست که نیروهای انقلابی در پیایند با بندهر تشکیلهای توده‌ای موجود نما نیست نمود و با بد جهت ایجاد تشکیلهای انقلابی حرکت کرد و گام برداشت. اگر فلان انجمن شریه‌ای دارد که با تیرازی مناسب در سطح مردم پیش می‌شود یا پدر آن فعالیت کرد، باید آنرا در خدمت اهداف انقلابی در آورد. اگر فلان سازمان جوانان برنامه‌های کوه یا گردش ترتیب میدهد. که اکنون تماما "پورزواشی و کلا" میسر سیاسی است. باید در آن شرکت کرد. بحث‌های خود را به پیش برد، اگر جوانان و مردم آنجا هستند ما هم می‌رویم.
- ۲- مسأله‌ای که بخصوص در شرایط کنونی اهمیت بسیاری یافته است، ایجاد وحدتی مستحکم در بین تمامی اقلیت‌های مذهبی است با ایجاد حرکات مشترک بین این نیروها را سازمان داد. تا آنجا که ما اطلاع داریم چنین حرکتی مدتی پیش در گروهی تحت نام "گروه مشترک اقلیت‌های مذهبی" در منطقه بست اما به علت عدم پیگیری و توجه کافی نیروهای انقلابی و همچنین اعمال سیاستهای فرصت طلبانه از سوی برخی نیروها تداوم نیافت. باید با دیدی دیگر چنین تشکیلی را که بی‌شک اقلیت‌های مذهبی را سازمان میدهد و در جهت ایجاد وسیعترین حرکات و اعتراضات مشترک در میان آنهاست سازمان داد.

نیروهای انقلابی موظفند در میان اقلیت‌های مذهبی با یکدیگر تماس گرفته و در این جهت حرکت خود را متمرکز نمایند. اولین کار آنها را میتوان بصورت اعلام پشتیبانی از حرکات اعتراضی موجود سازمان داد. با دیدی برای تمامی توده‌ها روشن ساخت که درد، دردی مشترک است و دشمن نیز دشمنی مشترک. در راه پیشبرد این اهداف باید نشیوه‌های گوناگون تبلیغی را در رابطه با توده‌ها بکار گرفت. باید حداقل کلاسهای استفاده از ابزار تریبون‌ها، نشریات، مجامع و اجتماعات سنتی و... برپا کرد و در عین حال باید اشکال دیگر تبلیغی چون اعلامیه‌های



# مردم چه می‌گویند؟ مردم چه میخواهند؟

تصمیماتی می‌گیرند که ما نتوانیم اتحاد داشته باشیم یکی زحمت‌ها با صدا می‌زنند صحبت او را قطع کرده که "چی انقدر شوغنی کرده‌اید نوقت که ما می‌گردند نقصدن حرف می‌زدید که ما لاله دو قالی راه انداختید کارمند زن جوانی آهی کشید و گفت "بفست از جای گرم در می‌آید، من و شوهرم دو نفری از صبح جون می‌کنیم تازه هیچوقت رنگ می‌بوه را نمی‌بینیم حالا بیهوش ۱۶۰۰ تومان از حقوقمان کم بشود چیکار کنیم؟ از کجا بیایم و ریم، چیکار میشه کرد، به کی بگوئیم کسی که گوش نمیدهد. همین موقع مستخدم که مردمی تالی است وارد شد و گفت "چه غایک بر سرمان بویزم، عقلمه بگه با بی قد ننیده، بیایند یکدفعه بگشند ما را و راحتان کنند. چون ما که از این جوانان که گرفتار عدا می‌شوند عزیزتر نیستند و کارمند زنی که از اقلیت‌های مذهبی است اما مدام اگر حرف بزیم بعنوان ضد انقلاب و ضد جمهوری اسلامی پدیمان را در می‌آوردند و عدا می‌کنند چیکار از دستمان بر می‌آید" گفت "چرا فکر میکنی نباید حرف زد، اگر همه با هم حرف بزیم چیکارمان می‌تواند بکنند" یکی دیگر از آقایان که او هم در بیله است و ظاهرا "وضعش از قبیه بهتر است" گفت "اگر کسی اعتراض کرد و بیرونش کردند آیا کسانی هستند که دنیا را... بگریزند یا اینکه بکنند یا بدفدا شود و قبیه هم جا بزنند" خانم ۳۲ ساله محتاطانه گفت "نه با ما همه جا می‌زنند، بی خود آدم نباید خود را خراب کند" و خانم دیگر با حسن عصبانی حرفش را قطع کرد که "از کجا میدانی، امتحان کن که نگردي" تا خروج چند نفر جهت جمع قطع میشود، خطاب به آن کارمندی که احتیاط را توصیه میکرد - میگویم "اگر بخوایم اعتراض کنیم اول همه با هم شورت می‌کنیم، تصمیم می‌گیریم بعدا اعتراض می‌کنیم" و او با تبسم کوچکی گفت "با لایحه یا بدهمین کار را بکنیم چاره دیگری نیست."

کارمندان دوزخ پاید دولت چون دیگر اقلیتها خلق، بزرگترین فشارها قرار دارند. حقوقی که در مقابل رشد سریع قیمت‌های تمامی اجناس و ما محتاج روزانه به بهانه‌های مختلف کاهش می‌آید. اخراج و در واقع عدم وجود امنیت شغلی در شرایط کنونی مشکل عده‌ای است که با عادت می‌شود کارمندان علی‌رغم تنگنای روزی هم محتاطانه عمل کنند، عدم شکل و آگاهی انقلابی این مسأله را تشدید میکند و باعث میشود تا کارمندان از ترس قطع درآمد و در نتیجه اختلال زندگی‌شان دست به اعتراض نزنند. باید تبلیغ حول تشکیل صندوق‌های بیکاری را سازمان داد، در جهت ایجاد آن وسایل "کوشش نمود. صندوق بیکاری نه تنها نیازهای خانواده دستگیرشدگان و اخراجیها را تامین میکند و پشتوانه‌ای است جهت مبارزات کارمندان بلکه تشکیلی که حول آن بوجود می‌آید منطقه، شکل‌های انقلابی و کمیته‌های اعتماد با کارمندان را در خود دارد. صندوق بیکاری پاسخی است برای این سؤال که "اگر کسی اعتراض کرد، بیرونش کردند آیا کسانی هستند که دنیا را بگیرند..."

از کارمندان دوزخ پاید اداره است که ۲۸ سال دار و بچه یکسال و نیمه خود را اجبارا "به اداره" آورده است. شدیداً از وضع موجود ناراضی است و با عصبانیت می‌گوید: پس از این زمان نه ما به مرخصی می‌رویم و بچه‌ها به کارها می‌رویم به امید آدم و دیدیم بختنا مه شده که هر کسی مرخصی بی حقوق گرفته سرپرست خود ش نباشد، حالا من را که سه تا بچه دارم از جای قبلی که مهد کودک و شیرخوارگاه داشت پرتم کردند جای دیگری دیگر کارمندان می‌گویند "تازه همون مهد کودک‌ها را هم به بیست و شهربان را زاپا زد کرده. خانم اولی که دیگر بفش گرفته می‌گوید "این طرحی زهم به نفع با لاشه‌ری‌هاست و با زبانه‌هاست که وضع خوبی نداریم و یک عالم بچه داریم خانم ۳۰، ۳۵ ساله‌ای که در اتاق مجلسی کار میکند و در ایستاده است می‌گوید: "با ما این بختنا مه‌ها همش برای بیرون کردن زنها از اداره است، همه‌ها بنگارها - شون قبلمه، بهمانه است تا ما را خانه نشین کنند، مستخدم که در حال خارج شدن از اتاق است می‌گوید "اینها شوری صندوق پول ندارند به این وسیله میخواهند خرج خودشان را در بریا و روند، ضررش به ما بدبختها میرسد" خانم اولی با حالتی ناامیدانه می‌گوید "چیکار کنیم" و صدای محکم خانم ۳۵، ۴۰ ساله در اتاق می‌پیچد که "گور خوانده اندا گره ۱۰۰ تومان هم با شه می‌نند هم ولی نمی‌گذایم مهد کودک را ببینند تا زه اگر هم بزور ببینند پول می‌گذایم روی هموار یک نفر میخواهم که منزل یکی از ماها بچه‌ها بماند را - نگهداری کنند. چون اگر عقب بکشیم بدبخت می‌شویم. حداقل اینجا دور هم هستیم و دسته جمعی میتوانیم یک کاری بکنیم، اما رفتن شوخانه یعنی دست تنها ماندن. بهر قیمتی شده باید بمانیم"

از صبح شایعه کسر ۲۳٪ از فوق‌العاده شغل حقوقی که در حقیقت مقداری از حقوق است که برای فریب کارمندان به این صورت پرداخت می‌شود، بر سر زبانه بود. ابتدا مسأله که ما "ملا" یا ناواری بیجان میشد، یکی از مردان کارمندان که ۳۵ سال سن و ۷ سال سابقه کار در اداری نا را حتی تمام شوی راهرو قدم می‌زد پس از مدتی وارد اتاق شویا چهره غمزه‌ای در گوشه‌ای نشست. کارمند دیگری که ۲۸ ساله است و خرج پدر و مادرش بردوش اوست با عصبانیت میگفت "شنیدید چی شده چندتن از کارمندان با کتککاری گفتند "چی شده" و او هم با صدای بلند جریانی کسوف فوق‌العاده شغل را گفت. زن ۳۴ ساله‌ای با تبسم گفت "فیلوم نیست کی نفس کشیدن را از ما می‌گیرند. بخدا آنقدر از اینها منتظرم که وقتی شب شوهرم اخبار تلویزیون را می‌بیند اگر حتی یک لحظه باکت باشم و فمش - ندم بپرسم می‌گوید "ما ما زبیس چرا سکتی ولی چه میشود کرد؟ حرف بزنی دخلت آمده زندگی را بهمه زهرما رکردند" همان کارمند جوانتر که در ای احسانات مذهبی است گفت "تا با اینها اول بیما و بین مختلف بین ما جدائی می‌اندازند و بعد چنین

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست







### قطعنامه درباره گزارش

### کمیته مرکزی موقت سازمان

و با عطف توجه به بنده الف این قطعنامه  
اشعار میدارد که: سازمان (علیرغم  
اشتباهات و ضعفهایی که در انجام وظایف  
خوبش داشته است) برپایه تلاش انقلابی -  
کا درها و هواداران خوبش تاکنون توانسته  
است تا مفداشی رازنده و پرچم پرافتخار  
آنرا بنام شاه چریکهای سازمان پذیرد و من  
و وفا دربار سازمان کارگران و زحمتکشان  
برافراشته نگهدارد.

ج - درباره نقائص و اشتباهات سازمان:  
کنگره در زمینه نقائص کار اشتباهات  
سازمان و بویژه کار در رهبری آن به نتایج  
زیر رسید:

- ۱ - سازمان بدلیل فقدان هدف و نقشه ای  
معیّن برای مدخله در مبارزه طبقاتی -  
دنیا لرو حوادث بوده - روشنی رویه کرده  
و همچنین انرژی و نیروهای بسیاری را  
هرز داده است. در این رابطه رهبری سازمان  
تلاش مسئولانه لازم را برای رفع این  
نقص اساسی، نیکو نموده است.
- ۲ - سازمان به مبارزه پیدئولوژیک درونی  
و بیرونی بمثابه امری تصفیه کننده و عاملی  
وحدت بخش، بیثباتی نناده و آنرا بیفرا موشی  
سپرده است.
- ۳ - اصول اصلی کار تشکیلاتی (یعنی -  
سانترالیزم، مکرراتیک - انتقاد و انتقاد

کنگره با استماع گزارش که هم امس که  
بعدا "با توضیحات فرد، فردا عضای  
کم، به شوالات طرح شده از طرف شرکت  
کنندگان بطور نسبی تکمیل گردید. در  
بررسی خود از عملکرد یکسال و نیمه سازمان  
(در زمینه های مختلف) به نتایج زیر رسید:  
الف - درباره اشخاص:

کنگره در بررسی خود از اشخاص در -  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به  
این نتیجه رسید که این اشخاص علیرغم  
اینکه برای دستیابی به "تثوری" انقلاب  
ایران و برای تأمین وحدت اصولی و -  
استماع جیب انقلابی شکل گرفت و در این  
راست با طرح مبارزه و اهدافی اصولی  
(که مبتنی بر ضرورتهای حیاتی جنبشی  
بوده) میرفت که در هر مسم را در جنبش  
کا رگری ایران ایزوله نماید، اما بدلیل  
فقدان درکی روشن از این ضرورت ها و نقش  
تاریخی خوبش، نتوانست در این وحدت -  
کا مهای مؤثری را در راستای وحدت و  
استماع جیب و آنرا در فرمیم، به پیش  
بردارد، از همین رو آنرا اقدامی زودرس  
تلقی مینماید.

- ب - درباره فعالیتهای مثبت سازمان
- ۱ - انتشار منظم روزنامه کار
- ۲ - مدخله انقلابی سازمان در جنبش  
مقاومت خلق کرد
- ۳ - تدوین نقشه نظراتی درباره استراتژی  
کرا و وضع کنونی و وظایف کمونیستها و ...
- ۴ - حفظ و تأمین امکانات ویژه (از قبیل  
جیب وغیره)
- کنگره با در نظر گرفتن این واقعات

- از خود - دیسپلین و ...) بر فمالیست  
سازمان بطور آگاهانه و سیستماتیک تا نظر  
شده است.
- ۴ - رهبری سازمان در کلیه زمینه ها مسائل  
را تنها رفع و رجوع کرده است و بویژه در  
برخورد با بحران سازمان و جنبش، برخورد  
درستی نکرده است.
- ۵ - گزارشات و گزارشات در رهبری سازمان  
عملکرده است و بویژه خود را در عدم احساس  
مسئولیت در قبال وحدت جنبش کمونیستی  
نشان داده است.
- ۶ - رابطه زنده ای بین رهبری و کل  
سازمان با توده ها، وجود نداشته است و از  
اینجهت از انرژی ها و استعدادها صرفاً  
تشکیلات به نحو شایسته ای استفاده نشده  
و تجربه های سازمان به آنها منتقل  
نگردیده است.
- ۷ - به امر آموزش و تربیت کارها بی توجهی  
کامل شده است.
- ۸ - "تدوین برنامه" (مطروحه در کار شماره  
۱۷) به مثابه اقدامی بلند پروازانه و  
غیرواقع بینانه، در دستور کار سازمان  
قرار گرفت.
- کنگره با آگاهی به این واقعات کسه  
بخش مهمی از اشکالات فوق بدلیل نداشتن  
ضوابط و مناسبات معین و سازمان دادن  
تشکیلاتی (ماستامه و ...) بروز کرده است  
ایمان را رخ دارد که برپایه دستاورد های  
عظیم و دشمنون های گرانبهای این مجمع  
عالی، سازمان اشتباهات و خطاهای خوبش  
را تصحیح و در جهت اهداف اصولی و انقلابی  
خود، گامهای بلندی را به پیش برخواهد  
داشت.

### ارزیابی ذهنیت حاکم بر توده ها

بقتیاد ز صفحه ۱۲  
است. اگر حرکات خود بخودی است خود به  
خودی نیز پایان می یابد. برنا نه ندارد  
و پیگیری و تدابیر نمی یابد. رفیقانی از  
حسب مینویسد "آنچه در برخورد با مشهود  
است کمیود نیروی بیشتر در جنبش و ضعف  
سازماندهی منظم و منسجم نیروهای بومی  
بالاخص در جنبش دهقانی است" رفیقی از  
شمال مینویسد "اعتمادات در رود سربیه  
علت فقدان رهبری و نبود برنامه -  
موفقیت رسید" از کارخانه ای گزارش -  
میشود "موج آگاهی روز افزون کارگران  
به مسائل جامعه تقریباً یک نوع مبارزه -  
خود بخودی بین کارگران آنهم بخاطر  
عدم حضور رتبا رفعا ل بوجود آمده است"  
و در گزارشی دیگر آمده "در این میان های  
تسلیمات و شیخ و دامنه دار سیاسی از -  
جانب نیروی جیب بسیار خالیست  
هر چند این ضعف باید شکلی ریشه ای  
بررسی شود - و تا حدودی نیز در کنگره -  
سازمانی بررسی شده است - اما در این

- گزارشات به سه مورد اشاره میکنیم.
- ۱- اینکه ما نه در مرحله افشای رژیم، که  
در مرحله طرح سرنگونی انقلابی آن هستیم  
رژیم رسوای خاص و عام شده است ما باید  
از خشم و نفرت توده ها استفاده کنیم و  
ساله سرنگونی انقلابی، شکل و تبلیغ  
توده ای را با انگشت نهادن بر تجربیات  
آنها محور و اساس تبلیغ خود قرار دهیم.  
توده ها را باید در این رابطه به قدرت خود  
آگاه نمود.
- ۲- در اعتراضات گروهی پیوسته با پیوست  
مترصد بود تا ساله انتخاب نماینده را -  
مطرح نمائیم و از مترصدین بخواهیم -  
برای پیشبرد خواسته های شان کسانی را که  
مورد اطمینان هستند انتخاب کنند تا  
مساله را پیگیری نمایند. به این طریق  
میتوان نطفه های کمیته ها و شوراهای  
انقلابی محلات و یا دیگر تشکیلاتی توده ای  
را شکل داد.
- ۳- گزارشات نشان دهنده این موضوع -  
است که در حرکات جمعی مبارزاتی، پیشرو  
بعلت امکان شناسائی شدن و جوهر کمبود  
نقشه در صفحه ۱۱

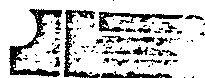
میان زوی سخن ما در چهارچوب برخورد  
با گزارشات با رفقای هواداران است. رفقا  
چه در بحث وجه دردا من زدن به اعتراضات  
و ابتکارات توده ای از مردم عقب هستند.  
در اکثر گزارشات دیده میشود که نقش خود  
را عمدتاً "در چهارچوب افشاکری رژیم  
و تا شنیدناشته های خود مردم ایفا میکند  
و یا تا سبب یا ترسکوت می نماید و آنجا که  
توده ها دست به عمل میزنند دنبال آنها  
روان میشوند. طرح آلترنا تیوهای  
انقلابی و ارتقاء مبارزات توده ای و سمت  
و سودادن به آنها به تدریج دیده میشود.  
متأسفانه باید بگوئیم زرقا به رهنمودهای  
سازمان آنگونه که باید و تا به توجیه نداشته  
اند و این را گزارشات ما بشکل بارزی  
نشان میدهد. مهرانه زرقا میخواهیم  
رهنمودهای ارگان را در چند ماه اخیر -  
مجدداً "و عمیقاً" مورد بررسی قرار دهند و  
بخصوص به شیوه برخورد مقالات تبلیغی  
کا رور رهنمودهای ارائه شده در رابطه با  
تبلیغ توجه کنند و آنها را در بحث های  
سیاسی بکار گیرند.  
در اینجا بشکل مختصر با توجه به

کارگران مبارز و انقلابی!  
شورا قدرتی است که از منافع شهادت مقابل  
استثنا کارگران و رژیم حاکم سرمایه داری دفاع  
میکند رژیم که در سه سال حکومت خود شورا  
های واقعی را سرکوب و منحل کرده است چگونه  
میتوانند طرفدار شورا های کارگری باشند؟!

تاریخ شماره ۱۵ - ۶۰۹/۴  
کارگران پیشرو - خورشاه

کارگران آگاه و انقلابی!  
در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی ارضا  
کردن دستمزدها کارگران که کمتر از قیمت یک  
کیلو گوشت است، خود داری میکنند برای فرز  
کارگران وعده وام مسکن میدهد.

تاریخ شماره ۱۷ - ۶۰۹/۴  
کارگران پیشرو - خورشاه



### اخبار روستائی

کامساران - ۶۵/۱۰/۱ - به پاسدار در دستهای اطراف آبادی توره ریوسز در دو کیلومتری کامساران یک جوسدان را که حیت خریدگا ووگوسفندو... قصد رفتن به روستای اطراف را داشته است گرفته و پس از کتک کاری مفصل تمام سرمایه او را که حدود ۱۵۰۰۰ تومان بوده از او گرفته اند و دوروهایش کرده اند.

پارس آبادستان - نیمه های آذر - مدیر اداره باغات میوه کشت و صنعت نام علی رضا فرح سا که سابقا "رضی جها دایزدگی سودا منیا ری" آگامی وفتا رگا رگسران بود با لایحه به اتهام اختلاس چهارمصد هزار تومان پول نقد و با قرار ۵۰۰ هزار تومان دستگیر شده و روانه زندان منگیسن شهرشد. کارگران شرکت کشت و صنعت است و صغومی زحمتکشان اداره موربا غسات بوده. دستگیری این مزدور مکتبی رژیم را در باغ اداره حتن گرفته و در این حتن هریک از کارگران از جبا ولگریها و دزدیهای این مدیر معاون وزیر برده - برمی داشتند و از غارت میوه ها و خشکا نیدن درختان و اخراج کارگران ساززو... و از در آمدن آنها محبت می کردند.

دشت منان - در پی باز دید منگینی از دشت منان به پارس نیز آمده بود. در این باز دید کارگران کشت و صنعت از ظلم و ستمی که پیش از چهار هزار نفر از کارگران کشت و صنعت هر روز لمس می کنند و به قول یکی از کارگران جز گوش مسئولین جبا ولگر، گوش فلک را کر میکنند و در عوض پشت کار رگسران را خم کرده است سخن گفتند. نماینده کارگران که با هزار ماطت و بافتن ساری کارگران چند دقیقه ای وقت گرفته بود تا در نماز جمعه محبت کند توانست به قسمتی از مشکلات کارگران و مسائلی که با آن درگیرند بپردازد.

وای در سخنانش صحنه اشاره به تورم و بحران مالی موجودیه افتاد. گری در مورد حقوق های ۱۵۰ هزار تالی الی ۲۰۰ هزار تومانی مسئولین برداخته و در مقابل از حقوق ناچیز ۱۸۰۰۰ تومانی کارگران به ننگا بست برداخت وی در قسمت دیگری از سخنان خود به هجوم تورجمنان مسئولین شرکت از شهرت بسیار به منان از زبان حاکم شرکت از عدم توجه بسیار این منطقه، اخراج - مدها نظرا از کارگران و کارکنان شرکت و در عوض استخدام مدها نظرا از مزدوران - رژیم، از بی حساب و کتاب بودن مخارج - شرکت و جبا ول بوجه، مملکت از اخراج و حرمه کارگران به خاطر مستی میوه، از ما مورت رفتن هفت شهر برای فروش ۱۵ - راس گوشتنده ارده سیل، از با پمال شدن یونجه های شرکت از تهدید کارگران به نوطنه انحلال شرکت کشت و صنعت علی برغم خواست کارگران، جلوگیری از تشکیل شوراهای کارگران، حذف و میل بودجه های کلان در کار برداری، انحلال شرکت تعاونی ارتا سیس فرونگاه مستقل با بودجه کلان به منظور بیدن آزادانه و کوتاه کردن دست چند نفر تصمیم گیرنده و در نهایت - تکرار بار زیبای طاغوت و ارمال جدیدین کامیون محموله از بهترین میوه های به آبات عظام و... برداخت کارگران - متدا "تمامی سخنان نامانده خود را تا شد می کردند. کارگران نامتکبیرشان در تا شید سخنان نماینده خود فضای سالن شهرک کشت و صنعت را به لرزه در آورده - سودندا تا جاکه چند نفر از کارگران به با خواستندا هریک از ظلم و تعدی که در سخنان روا شده و در آ ورتندگیه با ساران سرمایه مانع شدند. تا اینکه با لایحه منگینی پشت میگردن قرار گرفت و

برای فرار از با سگوشی به خواست کارگران گفت: من مسئول مملکتی نیستم! ولی متعهد سخنان آنان را به گوش مسئولین مملکتی برسانند! در حالیکه کارگران بیج بچکنان اعتراض - خود را برای آزادی داشتند، مشکینی صحنه را ترک کرد.

کرمانشاه - ۶۵/۹/۲۲ - بعد از دوام بیمن ماه خوش نشینان روستای "قوزیوند" روستائی نزدیک بیستون در کرمانشاه ۲۵ هکتار از زمین های مالک روستا - تا زده دولت شاه "اما دره انقلاب" نامی کرده و زمینها را بین خود تقسیم نمودند و بهر نفر بیین یک تا دو هکتار میرسد. - کتا ورزان تا با شیرا سال زمینی ها را کشت می نمودند. در پی شیرا سال "شیخ علی نجفی" گا ندید مورد تا شید اکثریتها - به روستای مزبور رفته و به خوش نشینان می گوید زمینها این ده را غیر قانونی! معادله کرده اید و با یزد زمینها را سکه "مهر علی عزیزی" سا شرمالک پس بدهید و گرنه زندانی میشوید. خوش نشینان به علت عدم آگامی کافی ترسیده و زمینها را پس میدهند تنها یک نفر مفاومت میکند، او را به دادگاه انقلاب کرمانشاه میا ورتند و محاکمه و زندانی می کنند تا با لایحه حاضر میشود زمینها را پس بدهد و آزاد میشود.

ع - بخش کهواره - قاسم خان حق - نظری، معروف به قاسم خان چاوی از فخرآباد لاهی معروف این منطقه با حمایت با ساران ضد خلقی سرمایه به زور اسلحه زمینها را از روستائیان زحمتکش پس از انقلاب معادله و کشت نموده بودند با پس گرفته است. اخیرا "قاسم خان به جهاد سازندگی رفته و می گوید: با مخارج خودم زمینها را خوا هم کاشت و محصولش را با جهاد تقسیم می کنم. "چهار ده همراه سیاه به وی کمک نموده با زور اسلحه زمینها را از دست کتا ورزان زحمتکش بیرون آورد. هم اکنون ۱۴ نفر از کتا ورزان زحمتکش نیز دستگیر شده و در زندان بزم میبرند.

### "شورای انتصابی بخشدار رودبار قصران، برای اهالی روستای لالان"

پس از پیروزی قیام بیمن ماه ۵۷، و با کسترش و شکل گیری شوراهای فرهنگ شورائی در سراسر ایران، اهالی روستای روستای لالان (واقع در ۵۰ کیلومتری شمال تهران) نیز در تابستان ۵۸ دست به تشکیل شورائی زدند که متاسفانه به علت توهمی که نسبت به رژیم و عناصر آن داشتند، نمایندگان انتخابی نمودند که ترکیبی از عناصر سازشکار و مروج بود. اما دیری نپایید که این شورا در مقابل اراده و خواست اهالی روستا قرار گرفت و مشروعیت خود را همراه با رژیم جمهوری اسلامی از دست داد. حتی کارجائی رسید که شورا، تحت فشار اهالی روستا مجبور به استعفا شد. بعد از گذشت زمانی چند و بدنبال شکل گیری فرمایشی انجمن اسلامی در روستا (که البته از همان ابتدای شکل گیری اش مورد تفرق و انزوا قرار گرفت) اهالی روستا دست (گفتار مروج که همان میسرود ساختگی انجمن اسلامی، شورائی فرمایشی بر سر کار میا آورد، به انجمن ابلاغ نمود که شورائی در روستا تشکیل دهند و در ضمن صلاحیت نمایندگان آن را خود انجمن تأیید کند. بعد از آ گیری شود. اهالی زحمتکش روستا که پیشاپیش -

نمایندگان خود را انتخاب کرده بودند تا آگامی یافتن از هدف انجمن اسلامی از این انتخابات و شروع پذیرش گاندیدها - انتخابات را تحریم کردند (لازم به توضیح است که انجمن صلاحیت هیچکدام از نمایندگان منتخب اهالی روستا را تا شید نکرده بود) با این تحریم، عملا "انتخاباتی صورت نگرفت و جریان تشکیل شورا بدست فراموشی سپرده شد، تا اینکه در آذرماه اهالی روستا با کمال شعوب متوجه شدند که بنا به دستور بخشدار شورائی از عناصر مورد تا شید انجمن اسلامی تشکیل شد و بدون رای گیری و تنها با تا شید بخشدار و انجمن اسلامی (به عنوان شورای اسلامی روستا) لالان معرفی شد! در پی این اعمال اراده، امت همیشه در صحنه! اهالی روستا نشانه رسمیت شناختند، بلکه با طرد و منزوی کردن آن، سرنوشتی راه همچون سرنوشت همزادش انجمن اسلامی، برایش رقم زدند.

### اخبار کردستان

بقیه از صفحه ۱۷  
قراری دهند یکی از پاسداران که با لایحه امضای صحیح میگرد بعد از بازدید بیک پیر مرد را که لباس مندرسی به تن داشت - با شین آورده و بعد از گذشتن ساک او را نگاه داشته به ماشین دستور حرکت میدهد. یکی از جاشهای مزدور مسلمان کرد که در آن مقرر بود، به پاسدار اعتراض کرده که "تو چرا فقط کردها را از ماشین با شین میا وری؟ چرا مرد مرا از شین می کنی؟ اگر راست می گوئی ماشین های آخرین سیستم را باز زدید کن مشا جره شدیدی بین آنها در می گیری و با لایحه یا سدار می گوید: ما نمی گذاریم شما بازدید کنید و هر چه کومله ای و دم مگرات هست رد می کنید. این برخوردشان میده که رژیم حتی به مزدوران خود اعتماد نداشته و این عدم اعتماد ناشی از رشد روز افزون مبارزات توده ها و عدم توانائی رژیم در برخورد با آن

می باشد و در نتیجه احقا نه تصور می کنند علت اینکه نمی توانند نیروهای انقلابی را به زانو در آورند خدایت مزدوران خودشان است

### ارزیابی ذهنیت حاکم پر...

بقیه از صفحه ۱۷  
شدید میدان عمل کرده محدودی دارد و بقول معروف "دستش برای پیشبرد کارها ز نیست" برای رفع این مشکل باید از سوسی در جهت راه حل اساسی آن یعنی سازماندهی "کمیته های مخفی مقاومت" گام برداشت (ما در این مورد مفعلا سخن خواهیم گفت) و از سوی دیگر بطور مقدر ماتی و قوری از "دست نویسی" استفاده کرده می توان با سرعت کافی دستوریس های بسیار کوچکی در مورد مساله مورد اعتراض، بسا رهنمود های سازمان یا جمع بندی خواسته های معترضین و با ارائه شیوه های پیشبرد مبارزه و... تهیه و توزیع کرد، حتی - پخش ۲ یا ۳ عدد از این دستنویس ها - در شرایطی که دیده شده بوده با سیر مست آشنایین خود می چرخانند. کاملا موثر است.

رقبا! انقلاب به سرعت روبه کسترش می نهد و از روی فوق العاده ای برای سازمان دهی خود طلب می کند. جمع بندی گزارشات آبان و آذر چشم انداز اعتلانی نوین را پیش روی ما گشوده است با بسد برای کوبیدن مهر خود، مهر پرولتاریا برای جنبش تمامی توان مان را بکار گیریم.

ادامه دارد

# اسامی شهدای آذرماه

چهارشنبه ۲۳ دیماه ۶۰  
شماره ۱۲۲ صفحه ۱۹

مجا هدین	۱۲۸	فرشته صبغی	۶۲	گروه	دیف محل
لیلا بوالاخرآرشیرازی	۱۲۷	سیمین زهیر	۶۳	مجا هدین	قبل از ۹/۱۱
رضا باقری	۱۲۸	زهرا یزدی یار	۶۴	مجا هدین	۱
اردشیر مهربان اشکی	۱۲۹	حمید شراق	۶۵	مجا هدین	۲
علی عبدالملکی زاده	۱۳۰	محمدحسین حسینی	۶۶	مجا هدین	۳
فریدکاوه	۱۳۱	عبداحمیدمغانی	۶۷	مجا هدین	۴
مهدی کبیری	۱۳۲	شهرزادوحدی	۶۸	مجا هدین	۵
محمدعلی حاجی	۱۳۳	علی اکبر محمدزاده	۶۹	مجا هدین	۶
داریوش سلحشور	۱۳۴	کرمانی	۷۰	مجا هدین	۷
محمدطاهری	۱۳۵	سیمین نوری نیک	۷۱	مجا هدین	۸
لادن منتعرا سدی	۱۳۶	هما بون خیا ط	۷۲	مجا هدین	۹
شهابالطیفی	۱۳۷	نا درخطبری	۷۳	مجا هدین	۱۰
علی اصغر آبراهیمزاده	۱۳۸	مطفی مجدآبادی	۷۴	مجا هدین	۱۱
غیا م قربان پور	۱۳۹	محبوبه استوار	۷۵	مجا هدین	۱۲
حسن احمدی	۱۴۰	غلامرضا خضرا شیدا	۷۶	مجا هدین	۱۳
محمدرضا شهنواز	۱۴۱	حسن قنبری نژاد	۷۷	مجا هدین	۱۴
محمدحسین قربانی فردوسی	۱۴۲	نا هیدرودکرمی	۷۸	مجا هدین	۱۵
احدقلی زاده	۱۴۳	فرح بهرامیان	۷۹	مجا هدین	۱۶
خلیل حاجی با رحیمی	۱۴۴	محمدحسین هاشم	۸۰	مجا هدین	۱۷
رسول خلیفه ای	۱۴۵	محسن نجم آبادی	۸۱	مجا هدین	۱۸
احمدتهرمانی پور	۱۴۶	رضا شجاعی	۸۲	مجا هدین	۱۹
محمد متواضع	۱۴۷	عباس مرادیان نژاد	۸۳	مجا هدین	۲۰
تقی آزادنگر	۱۴۸	محسن زراعی	۸۴	مجا هدین	۲۱
اسما عیلا سما عیلزاده	۱۴۹	سید عباس هاشم زاده	۸۵	مجا هدین	۲۲
محمدعلی حاج بیگی	۱۵۰	نا هیدمقیمی	۸۶	مجا هدین	۲۳
حسن عدالتی	۱۵۱	امیربا مردوئی	۸۷	مجا هدین	۲۴
بخشیا نوری	۱۵۲	محمدرضا جلیسی	۸۸	مجا هدین	۲۵
احمدرضانی	۱۵۳	مهران ش	۸۹	مجا هدین	۲۶
هوشنگ حدیدی	۱۵۴	مهرداد	۹۰	مجا هدین	۲۷
سید محمد موسوی ماسولانی	۱۵۵	خاندنما رکمی	۹۱	مجا هدین	۲۸
کرم لیاثی	۱۵۶	حمیدکسرا شیان	۹۲	مجا هدین	۲۹
غلامرضا کاروردیان	۱۵۷	حسن منزوی	۹۳	مجا هدین	۳۰
غلامعلی ماعدی	۱۵۸	محمدقلنجی	۹۴	مجا هدین	۳۱
احمدآقانداری	۱۵۹	مجتبی هاشمیان	۹۵	مجا هدین	۳۲
جوادمفید	۱۶۱	تقی عظیمی	۹۶	مجا هدین	۳۳
خبرالله رضانی	۱۶۲	رامین قنبری	۹۷	مجا هدین	۳۴
داریاب کریمی	۱۶۳	سیدضیا دشتوی	۹۸	مجا هدین	۳۵
مهدی شیرخدا	۱۶۴	مرتضی صفرزاده	۹۹	مجا هدین	۳۶
سید محمدعلی حیوی	۱۶۵	محمدحسین	۱۰۰	مجا هدین	۳۷
حسین غلامی	۱۶۶	نوروزکریمی	۱۰۱	مجا هدین	۳۸
مهدی افتخاری	۱۶۷	مهدی جانی	۱۰۲	مجا هدین	۳۹
حمیدرضا ساداتی	۱۶۸	پوسفیان	۱۰۳	مجا هدین	۴۰
منموربا سیمین خوشتری	۱۶۹	محمدتقی شهیدیان	۱۰۴	مجا هدین	۴۱
مصطفی شمس	۱۷۰	عادی حقانی	۱۰۵	مجا هدین	۴۲
حسن علی بقال شوشتری	۱۷۱	رحمت طالب نژاد	۱۰۶	مجا هدین	۴۳
عباس سیمینی	۱۷۲	بهروز جلالی	۱۰۷	مجا هدین	۴۴
بیژن سوداگری	۱۷۳	علی ملک محمودی	۱۰۸	مجا هدین	۴۵
علی صمیمی	۱۷۴	یدالله روشن	۱۰۹	مجا هدین	۴۶
کرمی نیشه	۱۷۵	سیدداریابی	۱۱۰	مجا هدین	۴۷
کیتی وفا شای	۱۷۶	مغانا مداری همت	۱۱۱	مجا هدین	۴۸
جوادمقندی	۱۷۷	محمداسکندری	۱۱۲	مجا هدین	۴۹
قربان مداح شیرازی	۱۷۸	محسن مرتضوی	۱۱۳	مجا هدین	۵۰
فریدرضا حاجی	۱۷۹	علیرضا بهاری پور	۱۱۴	مجا هدین	۵۱
بهزاد صیف پوری	۱۸۰	فرگوشی	۱۱۵	مجا هدین	۵۲
علی محمد مطیما	۱۸۱	جلال پورحسینی آزاد	۱۱۶	مجا هدین	۵۳
هاشم نوری	۱۸۲	اسما عیلا کارگر	۱۱۷	مجا هدین	۵۴
حسین حاج علی	۱۸۳	یدالله پورحسن	۱۱۸	مجا هدین	۵۵
زهرا قاسمی	۱۸۴	محمد مشیری	۱۱۹	مجا هدین	۵۶
حبیب مالک	۱۸۵	بیژن هدا شای	۱۲۰	مجا هدین	۵۷
محمدآقانداری	۱۸۶	حمیدیلوری	۱۲۱	مجا هدین	۵۸
سید محمد موسوی ماسولانی	۱۸۷	سهراب قاسمی	۱۲۲	مجا هدین	۵۹
محمدعلی هاشمی	۱۸۸	علاءالدین شوشقی	۱۲۳	مجا هدین	۶۰
محمدعلی هاشمی	۱۸۹	مرتضی حسینی الهی	۱۲۴	مجا هدین	۶۱
محمدعلی هاشمی	۱۹۰	محمدرضا خاکسار	۱۲۵	مجا هدین	۶۲
محمدعلی هاشمی	۱۹۱	سودابه بقاشی	۱۲۶	مجا هدین	۶۳
محمدعلی هاشمی	۱۹۲	محمدعلی هاشمی	۱۲۷	مجا هدین	۶۴
محمدعلی هاشمی	۱۹۳	محمدعلی هاشمی	۱۲۸	مجا هدین	۶۵
محمدعلی هاشمی	۱۹۴	محمدعلی هاشمی	۱۲۹	مجا هدین	۶۶
محمدعلی هاشمی	۱۹۵	محمدعلی هاشمی	۱۳۰	مجا هدین	۶۷
محمدعلی هاشمی	۱۹۶	محمدعلی هاشمی	۱۳۱	مجا هدین	۶۸
محمدعلی هاشمی	۱۹۷	محمدعلی هاشمی	۱۳۲	مجا هدین	۶۹
محمدعلی هاشمی	۱۹۸	محمدعلی هاشمی	۱۳۳	مجا هدین	۷۰
محمدعلی هاشمی	۱۹۹	محمدعلی هاشمی	۱۳۴	مجا هدین	۷۱
محمدعلی هاشمی	۲۰۰	محمدعلی هاشمی	۱۳۵	مجا هدین	۷۲



# اسلامی ۲۸ شهریور که از طرف رژیم (در آذرماه) میتوان اعدام شدگان اعلام شد، تنها جشن کوچکی از اعدام شدگان در این ماه هستند!

دستگاه آدمکشی رژیم در مدتی اخیر همجنس با شدت دست اندرکار گشتن مبارزان و انقلابیون وطن ما است. کشتار در ریزشگاه ها، کشتار در زیر شکنجه کشتار در مخیمگاه ها و سایر کشتارهای رسمی و غیر رسمی اگر مجموع این کشتارها را در نظر بگیریم خواهیم دید که به سبب از شدت کشتار رگم نشده بلکه جنایات رژیم سرصودی داشته است. اما رژیم که تحت فشار افکار عمومی جهان نیان قرار دارد و میخواهد بد کشتار را نمود کند که گویا اعدامها از شدت افتاده و بسبب ادغامها با اصطلاح انقلاب یا اذیت بیشتری کار خود را دنبال میکنند! اما اخبار رسیده از درون کشتارهای رژیم حتی بنگار حاکی از آنست که در ای از مقاومت و ددمنشی دادگاهها و سردمداران آنها کم نشده و هر روز دهها مبارز در زیر شکنجه و با سوسله خونه های اعدام شهید میشوند. ولی فرقی که کرده است نسبت که رژیم فقط اما می بخشی از قربانیان خود را اعلام میکنند. نمونه بارزان اعدام مبارز دلیر مجتبی احمدی را در دهه است که رژیم هرگز اعدام او را اعلام نکرد. بشبه در صفحه ۱۹

## بخشنامه های محرمانه - یعنی پیشبرد سیاستهای ضد خلقی دور از چشم خلق

رژیم هر چه ضد خلقی تر باشد، هر چه بیشتر منافعت در مقابل منافع خلق قرار بگیرد بیشتر مجبور به مخفی کردن اهداف و برنامها میشود. از خلق میگوید، از همین روست که این روزها در کارخانجات، مدارس، ادارات و... شاهد دوربخشنامه های - محرمانه یکی پس از دیگری میباشیم. تا به رسائیهای ادارات بهتر از زهرگسی دیگری به این مسئله واقف میباشند. بخشنامه زیر یکی از هزاران بخشنامه های محرمانه است که رژیم در سایر سرسبزهای دار در بر کارمندان زحمتکش تحمیل نمائید. رژیم توسط این بخشنامه قصد دارد زلایحه با زبانی تصویبی خود نیز عدول نماید. به این معنای که گمانی که با کسب زنی شده و به نحوی از انحاء حقوق کارگران از آنها سلب شده و ولی بخشی از حقوق خود را دریافت میکنند، مثلاً قبضه از موعدها زینستند و اندوخته اما در بنه خدمت شده اند، در صورتی حق دریافت حقوق و مزایای خود را از آنها سلب خواهند داشت که تا شیدا راهها سازمان متبوع خود را همراه داشته باشند. رژیم با این تاکتیک از سوئی سلی دارد نیروهای را که تحت تعقیب هستند زمانی که برای دریافت حقوق خود مراجه می کنند دستگیر نمائید و از دیگر سو با بیانه های گوناگون حقوق آنان را قطع کند. کاری که بر طبق زلیحه با زبانی قادر به انجام نمیشود

بهدار در بنه خبر  
۱۳۳۳-۱۳۳۲  
سید  
حکومت کجاست که با این سیاستها به خلق ایران میسر نمیگردد  
عزیزان من اینچنین اعلام نمائید که گمانه برسانیا  
و بیگانه ها با این سیاستها در حال کشتار انقلابی و مبارزان را  
مبارزان را با این سیاستها در حال کشتار انقلابی و مبارزان را  
مبارزان را با این سیاستها در حال کشتار انقلابی و مبارزان را

و هم نیروهای به اصطلاح پاکسازی شده که در حقیقت اکثریت آنها نیروهای مبارز و انقلابی هستند را نیز از پیش تحت فشار قرار میدهد. ولی تاریخ هم نشانه که تا حال ثابت کرده، بار دیگر نیز ثابت خواهد نمود که هیچ نیروی قادر نیست با چنین شیوه های سیرتاریخ را عوض نماید و مانع رشد مبارزات شده ها و پیروان انقلاب گرددند.

# اخبار کردستان

۶۰/۱۰/۳ - از روز جمعه گذشته ۶۰/۹/۲۶ درگیری شدیدی بین پیشمرگان و مردم از یک سو و پاسداران سرما به وحاشیا و ارتش در گرفته. در مناطق اطراف کامیاران (تاشینی و واسانه) در تمام روزهای جمعه و شنبه منطقه بوسیله فانتومهای رژیم ضد خلقی بمباران شده است. مگر ۳۰ میولانهای حامل پاسداران - جاشها و ارتشها در رفت و آمد بودند، جنگ تا ۶۰/۹/۳۰ ادامه داشت، تا تاریخ فوق یک پیشمرگه شهید و یکی زخمی و اسیر دشمن گردیده است.

۶۰/۹/۱ - امروز یک ستون ارتشی از پاسداران مراغه به طرف سوکان حرکت کرد. در طول تمام ستون ماشین های تیرباران - های کالیبر بزرگ مجهز بودند و وقتی از ارتشیان پرسیده شد کرد ها که هوا بیما - نداشتند آنها را برای چه میخواهید؟ ظاهر می داشتند که این تیربارانها بهترین وسیله برای تعقیب در کوهها می باشد زیرا تیر - هایش به محض اماست با زمین یا هدف منفرجه میشود که ترکش آن میتواند آنها را که در کوهها فرو می کنند از زمین ببرد.

سفر کلپاشی - ۶۰/۹/۲۵: روز پنجمین درده سفر کلپاشی از حضور مردم خیری نبود وقتی از آنها سوال میشود - میگویند: مردها به کوه زده اند چون مردم



فدائی شهید رفیق دکتر شفیع  
سوگرافی رفیق شفعی در کار شمار ۱۴۰ به جا رسیده است.  
**رژیم جمهوری اسلامی حامی زمینداران دشمن دهقانان**  
صفحه ۷  
**قطعنامه درباره گزارش کمیته عوقت مرکزی سازمان**  
صفحه ۱۲

به پیشمرگه ها نان و گوشت داده اند - پاسدارها آنها را تهنیت برموده اند. شب مردم به ده بازگشتند. تمام مردم با پیشمرگه ها همکاری میکنند، حزب دمکرات تقریباً هر شب به دهات سر میزند و برای مردم صحبت می کند و مردم را آموزش میدهد. دمکراتها چند نفری از اهالی دهی را به حرم جاسوسی دستگیر کرده بودند که پس از محاکمه ترسیده شده اند. این حرکت تا شیرمنشی بر روی توده ها گذاشت و یک نفر جاسوس را اعدام کردند که مردم می گفتند جانش بود. زیاد امام امام میگرد. پاسدارها وقتی به ده شیخ آمده و آنها را محاصره کردند، پیشمرگه ها در خانه های مردم موضع بگیرند. بعد از چند ساعت پاسدارها تا موفق بازمی گردند وقتی می خواهند ستر بیرون دستوجه میشوند که پاسدار رگم است وقتی بدنیال آنها - میگردند با جسدهای آنها که با تیر و سیل متلاشی شده بود مواجه میشوند، این عمل باعث رحمت تقیه میشود بدون اینکه به جسدها دست بزنند فرا می کنند. او زخم خود یک ماشین توپوتا با یک تفنگ کالیبر ۵۰ به جا می گذارند.

کامیاران - ۶۰/۹/۱۶: بین راه - کامیاران - کرمانشاه، پاسداران یک مینی بوس حامل مسافرا مورد تیر زنی بشبه در صفحه ۱۸

# زندانی سیاسی آزاد باید گردد، ترور، شکنجه، زندان نابود باید گردد